

دوازدهم شهریور ۲۴

سمتشر نوین اون ایکی سی
آذربایجان و موکرات فرقه سین برنجی این دونوی
۱۳۲۴ ۱۳۲۵
شناستینه



مرکزی تبلیغات شعبین نشری
۱۳۲۵-۲۶

قیمتی بیر لهجه

قسمت اول

بازنویسی کنونی کتاب توسط «جنبش فدرال- دموکرات آذربایجان»، عمدتاً بر مبنای ترجمه فارسی کتاب «شهریورین اون ایکی سی»- که از طرف «جمعیت روشنفکران تورک پیشرو ایرانی» منتشر شده، قرار گرفته است. اولین ترجمه فارسی کتاب که توسط انتشارات بابک در ایتالیا منتشر شده است، نیز مورد مراجعه مکرر و استفاده واقع شده است. به خاطر قدردانی از زحمت مترجمین فوق هنگام تطابق با متن اصلی تا حد امکان سعی بر حفظ شکل و روال ترجمه های مذکور بوده است.

چگونگی تشکیل گردهم آیی ۱۲ شهریور

بعد از مذاکرات طولانی و مکاتبات فراوان بین آقایان پیشه‌وری و شبستری، در نهایت آقای پیشه‌وری موقتا روزنامه «آزیر» را در اختیار رفقای خود گذاشت و در اوایل شهریور با آمدن به تبریز، اولین گام را در تشکیل فرقه‌مان برداشت.

در این روز، این دو بنیانگذار فرقه‌مان درباره وضعیت مملکت به طور جدی بحث کردند و سپس به این نتیجه رسیدند که نظر آقای بادگان راکه از رؤسای آن موقع تشکیلات حزب توده در آذربایجان بود، جلب کنند. آقای بادگان با توجه به مبارزات فراوان و تجارب به دست آمده، شعارهای ملی آقای پیشه‌وری و آقای شبستری را تایید و برای به ثمر رساندن آن، آمادگی خود را جهت هرگونه فداکاری اعلام کرد. در آن هنگام در آذربایجان غیر از حزب توده و جبهه آزادی، تشکیلات سیاسی دیگری وجود نداشت. اتحادیه کارگران هم کاملا زیر نفوذ و تاثیر حزب توده بود. به نظر آقایان پیشه‌وری و شبستری احتمال مشارکت و همفکری (جبهه آزادی) به این دلیل که توسط خود آنان سازماندهی شده بود، بسیار قوی پیش‌بینی میشد. تا آن هنگام عناصر و افرادی که پیرامون محور حزب توده گرد آمده بودند، صرفنظر از فداکارهای چشمگیرشان و مبارزات شدیدی که با عناصر واپسگرا داشتند، نتوانسته بودند در صحنه عملی مبارزه قدمی بردارند. افزون بر این، حزب توده به سبب فعالیتش تحت شعارهای طبقاتی، نتوانسته بود همه اقشار مردم را به سوی خود جلب کند. اما بنیانگذاران فرقه ما برای برپا داشتن نهضت، ضرورت جلب همه اقشار مردم را به وسیله شعارهای مشخص ملی به طور جدی درک میکردند. به همین خاطر، آقای پیشه‌وری، آقای شبستری و آقای بادگان بعد از سه روز مذاکره به این نتیجه رسیدند که آقای پیشه‌وری و آقای شبستری ابتدا تشکیلاتی تحت عنوان فرقه دمکرات سازماندهی کنند و همچنین آقای بادگان با سران تشکیلات حزب توده مذاکره کند و امکانات اتحاد دو فرقه را فراهم آورد. بعد از این تصمیم، آقای پیشه‌وری به اتفاق آقای شبستری تشکیل فرقه دمکرات را شروع کردند. نخست باید شخصیت‌های آزادیخواهی را برای تشکیل «هیئت» مؤسسان پیدا میکردند و خود این امر مسئله دشواری محسوب میشد. چرا که مردم با نتیجه نگرفتن از تشکلهای سیاسی و منحصرشدن کار این تشکل‌ها به گفت و گو و در نهایت انجام تظاهرات، بسیار به ندرت و به سختی به فعالیت و همکاری با تشکیلات سیاسی حاضر میشدند، خصوصا به خاطر تحت تعقیب بودن رهبران فرقه، شعارهای ملی بیش از پیش فداکاری میطلبید.

در نتیجه تبلیغاتی که متعصبان فارس انجام داده بودند، در آن هنگام آذربایجانیها جرات ابراز خصوصیات ملی خود را نداشتند. و به همین سبب تشکیل یک هیئت مزسس ملی مساله دشواری بود. به طور کلی، مردم نمیتوانستند خواسته‌های ملی خود را آشکارا اظهار نمایند. بنابراین، مستقیما روی آوردن به مردم و دعوت آنان برای تشکیل فرقه، نمیتوانست حاصلی در بر داشته باشد. آقای پیشه‌وری با در نظر گرفتن همه جوانب امر، اولین سند مکتوب فرقه را که در حقیقت امر، نخستین سنگ بنای فعالیت ما نیز بود، در ۱۲ شهریور ماه مدون کردند. این بیانیه ۱۲ ماده‌ای به زبانهای آذربایجانی و فارسی نوشته شده بود. پس از گفتگوی آقای شبستری با آقای بادگان، مقرر شد که این بیانیه پس از امضای شخصیت‌های آزادیخواه، در ۱۲ شهریور ماه منتشر شود. جمع کردن امضا خود به تنهایی یک مشکل بود. با همین وجود، کسانی که میخواستند فرقه را به وجود آورند، مایوس نشده به آزادیخواهانی که میشناختند و به آنها اطمینان داشتند، مراجعه کردند و با خواندن بیانیه، اهداف خود را تشریح نمودند.

همان طورکه گفتیم، کار در ابتدا دشوار و خطرناک بود. به همین خاطر، بعضی‌ها قبل از انتشار بیانیه دچار وحشت شده، خواستار امحای امضایشان شدند. تصمیم رفقا قطعی بود، به همین خاطر بیانیه در ۱۲ شهریور ماه با امضای ۴۸ نفر انتشار یافت.

انتشار بیانیه در آذربایجان، یک رویداد مهم به حساب می‌آمد. چون پیشه‌وری قبل از ۱۲ شهریور نسخه‌هایی از آن را در نقاط مختلف توزیع کرده بود، بلافاصله پس از نشر بیانیه، سیل تلگراف‌ها از نقاط مختلف آذربایجان به سوی فرقه به راه افتاد. توده‌های مردم که سالیان متمادی در آرزوی آزادی میسوختند، به وسیله تلگراف، با فرقه اعلام همبستگی میکردند. متن این تلگراف‌ها سندهای جالب توجه ممتازی هستند. در پای بعضی از آن‌ها بیشتر از ۱۰۰ امضا وجود داشت. در تمام شهرها و قصبات و حتی در روستاها در همان روزهای شهریور حرکات چشمگیری به وجود آمد. دومین روز پس از انتشار بیانیه، صفحات روزنامه آذربایجان از تلگراف‌های تبریک پر شد. برای مثال، در یکی از شماره‌های همین روزنامه، تلگرافهایی که از اهر، جلفا، مرند آمده بودند ۸۷ امضا داشت و در شماره دوم همان روزنامه تلگراف‌هایی که وارد شده بود، ۲۰۱ امضا و همینطور در شماره سوم تعداد این امضاها به ۷۵۰ رسید. به این نحو تعداد امضاها روز به روز افزایش می‌یافت.

چنانکه میدانیم، روزنامه آذربایجان دو روز پس از نشر بیانیه، انتشار یافت. این روزنامه قبلا نشریه جمعیت آذربایجان محسوب میشد و با مدیریت آقای شبستری انتشار می‌یافت. به همین خاطر با همان نام و با همان

مدیریت به کار شروع کرد. در این دوره، به سبب اینکه آقای پیشه‌وری شخصا روزنامه آذربایجان را مینوشت و مستقیما آن را اداره میکرد، به آینه تمام‌نمای فعالیت‌های فرقه تبدیل شد و مردم توسط همین روزنامه از کارهای فرقه مطلع میشدند و اعضای فرقه نیز با درج مقالات خود در آن، کارهای تبلیغاتی خود را انجام میدادند.

در مقالات مندرج در روزنامه، مخصوصا مواد بیانیه تجزیه و تحلیل می‌شد. از روزنامه و مقالات به صورت ماهرانه ای استفاده سیاسی- تبلیغاتی می‌کردند و از این طریق نهضت فکری عظیمی در میان مردم افریده شد. به عنوان مثال، در شماره اول روزنامه آقای پیشه‌وری بنیانگذار فرقه، در مقاله‌ای تحت عنوان «فرقه، فعالیت را آغاز کرد» نوشت: «روز دوشنبه بیانیه فرقه ما منتشر شد. این بیانیه توسط مردم با استقبال گرم و گسترده ای رو به رو شد. هزاران آذربایجانی در پای دیوارهایی که بیانیه روی آن‌ها نصب شده بود، گرد آمدند. در حالی که دلپایشان در سینه‌هایشان می‌تپید، متن بیانیه را تا آخر خواندند، درباره آن اندیشیدند، آن را گرمی داشتند و با این ابزار احساسات قلبی باز شدن راه به سوی سعادت و آزادی را حس کردند».

زبان بیانیه تا حد امکان روشن بود و صریح و در آن به خواسته‌ها و آرزوها و احتیاجات خلقتان به شکل گسترده‌ای توجه شده بود. «ما به همان مقدار که به استقلال ایرانمان علاقه‌مند هستیم، به همان اندازه نیز آرزو میکنیم خلق آذربایجان به پشتگرمی قوه و توان خود در تعیین فرهنگ خود اختیاراتی داشته باشد، نخست فرهنگ و زبان خود، بهداشت و اداره دولت ملی را طلب میکنیم. باید به پیدایش کتاب، روزنامه و متون ادبی در زبان خود به شکل آزادانه و نیل مردم ما به توسعه و ترقی امکان داده شود. ما نخست از خانه‌مان آذربایجان شروع کرده و برای ترقی همین‌جا تلاش میکنیم و به همین خاطر خواهان تشکیلات ساده و طبیعی میباشیم. این تشکیلات بر اساس پایه‌های قانون اساسی و در قالب انجمن ایالتی و ولایتی میباشند. تشکیلات ایالتی و ولایتی یک تشکیلات جدید نیست، برای خودش گذشته و تاریخ دیرینه‌ای دارد. خلق‌های ایران درکسب مشروطه مدیون انجمن ایالتی خلق آذربایجان هستند. به همین خاطر مستبدان و دشمنان آزادی، نخست این تشکیلات را از میان برداشتند. «فرقه‌مان به خاطر انحصاری نبودن به یک صنف و در نظر نگرفتن طبقه خاصی، عموم جماعت را به زیر پرچم خود فرا میخواند و به واسطه همین، ما خواهیم توانست حرکات ناروای عناصری را که از طرف دولت مرکزی سعی در ایجاد هرج و مرج و تحرکات ناپهنجار دارند، خنثی کنیم».

باز هم آقای پیشه‌وری در همان شماره زیر عنوان «حرف آخر ما بر سر دو راهی» وضع عمومی ایران را تشریح و با تعیین راه فرقه مینویسد: «ما با تمام توان خود برای حفظ دموکراسی و آزادی، سوگند خورده‌ایم. اگر هیتلر تازه‌ای هم پیدا شود، به آذربایجان راه نخواهد یافت. آنهایی هم که به تازگیها به فکر رضاخان شدن افتاده اند، آرزوی دست یافتن به حکومت آذربایجان را به گور خواهند برد. آذربایجان توان اداره کردن کارهای خود را دارد. اگر حقه‌بازان تهران با الهام گرفتن از لندن به فکر محوکردن آزادی باشند، ما یک قدم پیش گذاشته و مجبور به قطع کردن روابطمان با آنان خواهیم بود. حکومت تهران باید بفهمد که بر سر دو راهی قرار گرفته و آذربایجان راه خود را انتخاب کرده است. او به آزادی و دموکراسی و اصول آنها وفادار خواهد ماند. اگر ارتجاع تهران راه دیگری را انتخاب می‌کند، می‌تواند به تنهایی و بدون آذربایجان به راهش ادامه داده، تشریف ببرد، این است حرف آخر ما» به این ترتیب، روزنامه آذربایجان به زبان برا و تبلیغاتی توانمند فرقه تبدیل شده، مردم و فرقه را رو به سوی هدف سوق می‌دهد.

مقالات آذربایجان تاثیر زیادی در میان مردم آذربایجان به جا گذاشته و منطق قوی آن، خوانندگان را به تعمق و اندیشه وامیدارد. با این حال، روزنامه، بیانیه ۱۲ شه‌ریور را لحظه‌ای از مد نظر دور نمیدارد. برای مثال، در شماره دوم در خصوص انجمن ایالتی، طی مقالاتی کوتاه و در عین حال پر معنی، به جملات صریحی برخورد میکنیم: «کمیت‌مان خیلی سریع شکوفا شده است، این می‌تواند ضامن آزادی باشد، ولی کافی نیست. فرقه یک تشکیلات سیاسی- اجتماعی است. فرقه باید توانایی هدایت خلق را داشته باشد، ولی نمیتواند به مردم حکومت کند. برای این کار باید تشکیلات انجمن ایالتی را در اولویت قرار داد. این انجمن باید با اصول دموکراسی از طرف عموم خلق انتخاب بشود. تمام ادارات دولتی و مدیران آنها باید درکارهایشان تابع این تشکیلات ملی باشند و مجبور به اجرای دستورات آنها (انجمن ایالتی دارای معنای عمیق سیاسی است و این انجمن باید به جریان‌ات واپسگرا و ضد دموکراسی در تهران و سایر شهرها جواب محکم و دندانشکنی بدهد. ارتجاع تهران از شنیدن نام انجمن ما به خود لرزیده و دست و پای خود را گم خواهد کرد».

در همین مقاله طرح شعارهای امروزی توسط روسای فرقه پیش‌بینی و با وضوح بیشتری به صحنه می‌آید. با جلب نظر خوانندگان مخصوصا به جمله زیر که توسط آقای پیشه‌وری در همان مقاله نوشته شد،

میتوان ثابت کرد که رهبر فرقه ما دستاوردهای موفقیت‌آمیز امروز ما را، آن روزها با وضوحی هر چه بیشتر میدیده است: «شکل‌گیری انجمن ایالتی آذربایجان منحصر به مثابه حل مسئله آذربایجان نیست. بلکه میتوان گفت به منزله حل تام و تمام مسئله آزادی است». بیانیه دوازدهم شهریور، با قلم سوزناکی نوشته شده و در آن وضعیت آذربایجان به روشنی تشریح شده است. در بیانیه، عوامل پیدایش وضعیت اسفبار آذربایجان و فلاکت و اسارت مردم آذربایجان تحلیل و راه کارهای عملی از میان برداشتن این عوامل نشان داده شده است. در بیانیه ۱۲ شهریور ضرورت کسب خودمختاری آذربایجان با دلایل متقن و محکمی ثابت شده و تحصیل این خودمختاری به وسیله انجمن ایالتی پیش بینی شده است. با مطالعه دقیق بیانیه میتوان دریافت که فرقه برای آغاز فعالیت خود وضعیت زمان را به طور جدی و دقیق بررسی و تحلیل کرده و شعارهایش را بر این بررسیها بنیان گذاشته است. موفقیت‌های امروز ما نتیجه و ثمره کاربست مضامین و مواد همان بیانیه است. برای اثبات این که امروزه به اهداف پیش‌بینی شده در بیانیه ۱۲ شهریور گذشته نایل شده‌ایم، شعارهای ۱۲ ماده‌ای بیانیه را دوباره مرور میکنیم.

۱- ضمن حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران باید به موازات آن برای خلق آذربایجان آزادی داخلی و خودمختاری مدنی داده شود که بتواند در راه احیای فرهنگ خود و آبادانی آذربایجان و هم‌سو با حفظ قوانین عادلانه کل مملکت، سرنوشت خود را تعیین کند.

۲- برای اجرای همین منظور، بالغور انتخاب انجمن‌های ایالتی و ولایتی برگزار و شروع به کار خواهد کرد.

۳- در مدارس آذربایجان تا کلاس سوم به زبان آذربایجانی تدریس و از کلاس سوم به بعد درکنار زبان آذربایجانی، زبان فارسی نیز تدریس خواهد شد.

تشکیل دانشگاه علوم در آذربایجان یکی از مقصدهای اساسی فرقه دموکرات میباشد.

۴- فرقه دموکرات آذربایجان در خصوص گسترش صنایع و کارخانه‌ها تلاش نموده و سعی خواهد کرد کارخانه‌های موجود را تکمیل و از این طریق به رفع مشکل بیکاری پرداخته و درگسترش صنایع دستی و ماشینی وسایلی را به وجود خواهد آورد که به تاسیس کارخانه‌های نوین منجر خواهد شد.

۵- گسترش تجارت از مسائل لازم و جدی فرقه دموکرات محسوب میشود. انسداد راه‌ها تا امروز موجب پایمال شدن ثروتهای خرده مالکین، روستایان و باغدران و سبب افلاس و دیوژگی آنان شده است. برای جلوگیری از این کار، فرقه دموکرات در پی یافتن راههایی از جمله بازارهای خارجی برای فروش امتعه آذربایجان با استفاده از راههای ترانزیت میباشد و با جدی قلمداد کردن این کار از نقصان ثروتهای عمومی جلوگیری به عمل خواهد آورد.

۶- یکی دیگر از هدفهای اصلی فرقه دموکرات، آباد کردن شهرهای آذربایجان است. به همین زودی قانون انجمن‌های شهر تغییر یافته و از این رهگذر امکان خودیاری مردم در جهت آبادانی و عمران شهرها فراهم خواهد شد. به خصوص تامین آب آشامیدنی مردم شهر تبریز از مسائل فوری و جاری فرقه دموکرات آذربایجان میباشد.

۷- بنیانگذاران فرقه دموکرات به خوبی می‌دانند که نیروی ثروت آفرین و توان اقتصادی در بازوی روستاییان نهفته است. بنابراین، فرقه نمیتواند تحرکی را که در میان روستاییان به وجود آمده، نادیده بگیرد. پس فرقه سعی خواهد کرد که به منظور تامین نیازهای روستاییان، قدمهای اساسی بردارد. تعیین حدود معقولی در پرداخت‌های رعایا به اربابها و جلوگیری از مالیاتهای غیر قانونی که اربابان خودسرانه آن را وضع کرده‌اند، از وظایف مبرم و فوری فرقه دموکرات است. فرقه تلاش خواهد کرد که این مسئله را به گونه‌ای حل کند که رضایت روستاییان جلب و اطمینان زمینداران به آینده‌شان تامین شود تا در آبادانی روستاها وکل مملکت با جدیت بیشتری بکوشند. املاک خالصه و زمینهایی که اربابان آنها متواری شده‌اند و در آمدهای غیرقانونی از زمینهای آذربایجان را در تهران و جاهای دیگر خرج میکنند در صورتی که این زمینداران به‌زودی به آذربایجان مراجعه نکنند، بر اساس موازین قانونی فرقه، در اختیار روستاییان گذاشته خواهد شد. ما (فرقه) کسانی را که ثروتهای آذربایجان را برای خوش گذرانی به کشورهای خارج برده‌اند، آذربایجانی نمی‌شناسیم. اگر آنان به آذربایجان بازنگردند، دیگر حقوقی برای آنان قایل نیستیم. افزون بر این اقدامات، فرقه تلاش خواهد کرد تا نیازهای روستاییان و کشاورزان به ابزارهای کشاورزی و زمین را مستقیماً و سریع مرتفع نماید.

۸- یکی دیگر از مهمترین وظایف فرقه دموکرات، مبارزه بر علیه بیکاری است. خطر بیکاری از هم اکنون به طور جدی خودنمایی میکند. سیل این خطر در روزهای آینده خطرناکتر نیز خواهد شد. از طرف دولت مرکزی و ماموران محلی آنها، هیچ اقدامی در این زمینه انجام نگرفته است. اگر وضعیت به همین منوال ادامه یابد، برای اکثریت مردم آذربایجان فلاکت اسفباری خواهد شد. فرقه مجدانه میکوشد که این خطر مهار شود. فعلا ممکن است تاسیس کارخانه ها، توسعه بازرگانی، ایجاد بنیادهای کشاورزی و احداث راههای آهن و شوسه تا حدودی در مهار بیکاری مفید واقع شود.

۹- در تدوین قانون انتخابات، ظلم عظیمی به مردم آذربایجان روا داشته شده است. بنابر اطلاعات دقیق، بیشتر از ۴ میلیون نفر آذربایجانی در این ایالات زندگی می کنند که بر اساس قانون انتخابات غیر عادلانه، روانه کردن ۲۵ نماینده به مجلس شورای ملی، مطلقا با سرانه جمعیتی متناسب نیست و این تسهیم غیر عادلانه است. فرقه دموکرات خواهد کوشید تا آذربایجان متناسب با نفوس خود، حق انتخاب نماینده داشته باشد. در این صورت نمایندگان آذربایجان تقریبا یک سوم کل نمایندگان مجلس را تشکیل خواهد داد. فرقه دموکرات آذربایجان خواستار آزادی محض در انتخابات است. فرقه دموکرات با مداخله کارکنان دولت از داخل و خارج، تهدید و تطمیع سرمایه داران در انتخابات مبارزه خواهد کرد. انتخابات باید در سراسر ایران همزمان برگزار و در کمترین زمان ممکن تمام شود.

۱۰- فرقه دموکرات آذربایجان با کارکنانی که خود را در جمع ادارات جا داده و به گرفتن رشوه و عمل اختلاس مشغولند، مبارزه خواهد کرد و از کارکنان صدیق قدردانی به عمل خواهد آورد. مخصوصا تلاش خواهد کرد تا درآمد آنها را طوری تنظیم کند که ایشان نیازی به دزدی و خیانت نداشته باشند و بهانه برای این کارها وجود نداشته باشد تا بتوانند یک زندگی آبرومندی برای خود فراهم کنند.

۱۱- فرقه دموکرات سعی خواهد کرد بیشتر از نصف مالیاتهای مستقیم صرف احتیاجات خود آذربایجان بشود و از میزان مالیاتهای غیرمستقیم، به میزان قابل توجهی کاسته شود.

۱۲- فرقه دموکرات آذربایجان خواهان دوستی با تمام دولتها، به خصوص دول متفق میباشد و به این روند تداوم بخشیده و از تلاش کسانی که بخواهند خللی در این دوستی ایجاد کنند، جلوگیری و از فعالیت عناصر خائن در ادارات دولتی، سیاسی و اجتماعی که بخواهند به این روابط لطمه وارد کنند، ممانعت به عمل خواهد آورد.

این ها هدفهای بنیادین بنیانگذاران فرقه دموکرات هستند. ما امیدواریم هر یک از وطنپرستان آذربایجانی چه در داخل آذربایجان یا بیرون از آذربایجان در رسیدن به این هدف مقدس با ما همصدا و متحد شوند. طبیعی است که اگر انسان اول خانه خودش را اصلاح نکند، نمیتواند برای محله، شهر و یا مملکت خود به خوبی کار کند. ما اول از خانه خودمان که آذربایجان میباشد، شروع میکنیم و باورمان این است که اصلاح و ترقی آذربایجان سبب ترقی ایران خواهد شد و وطنمان از این رهگذر از چنگال قلدران و مرتجعان نجات خواهد یافت. زنده باد آذربایجان دموکرات! زنده باد ایران مستقل و آزاد! زنده باد ایران و فرقه دموکرات آذربایجان، مشعل دار حقیقی آزادی آذربایجان!

تشکیلات چگونه به وجود آمد

بعد از صدور بیانیه، تشکیلات گسترده ای در آذربایجان شروع به فعالیت کرد. مردم گروه- گروه گرد آمدند و شعبات فرقه را تشکیل دادند و اعضای تشکیلات برای سرو سامان دادن به تشکیلات، به اطراف گسیل شدند. فعالیت های مجدانه در سراسر این سرزمین راه افتاد. با تشکیل کمیته های موسس، بنیانگذاری تشکیلات در همه جا آغاز شد. رهبران فرقه، جدی و خستگی ناپذیر صرفا به تبلیغات اکتفا نکرده در پی تشکیل سایرکمیته ها به بررسی استفاده های عملی از این گسترشها پرداختند.

برای نیل به این هدف، بعد از انتشار بیانیه، در ۲۲ شهریور جلسه ای با حضور عموم موسسین تشکیل و موفق شدند ۱۱ نفر را به عنوان موسسان کمیته انتخاب نمایند. در طی جلسه عمومی با اکثریت آرا، آقای پیشه‌وری را به عنوان صدر (رئیس) و آقای شبستری را به عنوان معاون انتخاب کردند. در همان روز آقای محمد بی‌ریا رئیس شورای متحده کارگری، قبول ریاست اتحادیه کارگری فرقه دموکرات را رسماً وکتبا به کمیته گزارش کرد. باز عصر همان روز، آقای بادگان و آقای قیامی تصمیم‌های گردهم آبی گسترده عمومی تشکیلات توده را گزارش کردند. بر اساس این تصمیم، الحاق حزب توده به فرقه دموکرات در نظر گرفته شده بود. بنا به همین تصمیم قرار شده بود که چند تن از اعضای با سابقه و پر تجربه حزب توده به جمع فرقه دموکرات ملحق بشوند و این باعث استحکام روابط و گسترش فعالیت‌های فرقه دموکرات گشت. بعد از انتشار بیانیه، روزنامه های تهران بر علیه ما حملات شدیدی را آغاز کردند و تهمتها و افتراهایی نمودند که بر علیه ما عنوان نکنند. رهبران فرقه با ایمان عمیق خود به آینده فعالیت، به جای جواب دادن به چنین واکنش‌هایی، به فعالیت خود ادامه دادند.

با توجه به داشتن نقشه های معین، کارها خیلی سریع پیش میرفت. فرقه به سبب مخالفتش با سیاست پنهانکاری و سرپوش گذاشتن روی ناتوانیها، مقاصد خود را به نحو ساده به خلق مان بیان کرد. به دلیل همزمان شدن شروع به فعالیت ما با حضور ارتش سرخ در کشور ما، دشمنان ما میخواستند فعالیت ما را زیر عنوان الحاق ایالت‌مان به دیگر کشورها و یا ایجاد زمینه تجزیه ایالت قلمداد کنند، حال آن که این تبلیغات سو را دشمنان و خائنین عنوان میکنند و بدین وسیله میخواهند فرقه ما را لکه دار سازند. برای رفع چنین شبهه‌هایی، از سرکردگان تمام طبقات دعوت شد که در یک جلسه گرد هم آیند. در این اجلاس، آقای پیشه‌وری در سخنرانی خود که ۱/۵ ساعت طول کشید، به شرح شعارهای فرقه پرداخت و در عین حال با دستش نقشه ایران را در هوا رسم کرد. این حرکت کنایی وی، در طول دوره نهضت مشعل فعالیت‌مان شد. با جریان‌ات دست راستی و دست چپی مخالفت کرد و در ۱۹ شهریور با سخنرانی خود توانست به جریان‌ات اشتباه داخل فرقه پایان بدهد.

ضمن پیشبرد مبارزه با جریان های چپ و راست و توجه به حرکت تاریخی آقای پیشه‌وری در ۱۹ شهریور ماه (ترسیم نقشه ایران در هوا با دست) راه را بر بروز هر نوع اشتباهی که ممکن بود در درون فرقه پدیدار شود، مسدود کرد. بنیان سازمان شهری تبریز (شهرداری) بسیار زودتر از آنچه تصور میشد، یعنی در پنجم مهرماه گذاشته شد. تعدادی از نامه‌های رسیده به فرقه دموکرات که متأثر از فعالیت ۲۳ روزه آن بود، از مرز هزاران نامه (بدون در نظر گرفتن نامه های رسیده به حزب توده) فراتر رفت. در گردهم آبی که در نهم مهرماه انجام گرفت، 59 نفر نماینده برای نخستین کنگره فرقه برگزیده شدند. بدین ترتیب بنیادهای سازمان شهری ما پی‌ریزی شد و به طور سازمان یافته، شروع به فعالیت کرد.

در این دوره، روزنامه آذربایجان نقش مهمی ایفاء میکرد. مردم با اشتیاق آن را می خواند و سیاست فرقه را درک میکرد. آقای پیشه‌وری تجربه درازمدت نویسندگی و اطلاعات سیاسی خود را تماماً وقف این نشریه کرده بود. مقالات، بسیار کوتاه و آتشین بودند. هم به وسیله روزنامه و هم به وسیله تاثیر تبلیغات شفاهی در میان مردم، نهضت فکری شایان توجهی شروع شد و روز به روز تناورتر گشت. شعرای ما از نهضت ملی الهام گرفته و شروع کردند به سرودن اشعاری با عبارات پرمعنا و آتشین. اگر به روزنامه‌های منتشره آذربایجان در ماه های شهریور و مهر دقت شود، روشن میشود که تمام اشعار با ارزش شعرا در آن زما ت سروده شده است. آقای اعتماد، آقای علی فطرت، آقای آذراوغلی، مدینه خانم علی اکبرزاده، مظفر درفشی و عاشق حسین جوان در آنروزها برای نوشتن اشعار میهنی شور و اشتیاق بی‌ظیری از خود نشان دادند.

سرود گوش نواز «همیشه لیک یاشا آذربایجان» توسط فداییانمان، که شعر آن را در همان شهریور ماه، آقای نجم تبریزی سروده و به دفتر روزنامه فرستاده بود، در شماره سوم مهرماه روزنامه چاپ شد. احساسات قلبی مردم بیدار شده بود. رهبری درست فرقه نیز این احساسات را در راستای مطلوب هدایت و نتیجه سازمانی و تشکیلاتی سودمندی از آن میگرفت. فعالیت فرقه‌مان به این جهت نتیجه خوبی میداد که سرکرده‌ها کارشان را به تصادف واگذار نکرده و میکوشیدند که براساس طرح‌های معین حرکت کنند.

نخستین کنگره

بر اساس طرح از پیش برنامه‌ریزی شده، در دهم مهرماه، اولین کنگره فرقه‌مان تشکیل شد. این کنگره با حضور تمام نمایندگان منتخب از شهرها، قصبات و روستاهای آذربایجان تشکیل شده بود. این کنگره ضمن اعلام رسمیت تشکیل فرقه، اتحاد حزب توده ایران (تشکیلات آذربایجان) با تشکیلات فرقه دموکرات را اعلام کرد و به اجرا گذاشت. این کنگره که سه روز ادامه داشت، به حل مسائل و مشکلات زیادی موفق شد. تصویب مرامنامه و نظامنامه فرقه مهمترین این مسایل به شمار می‌آمد.

در ۱۲- مهرماه، یعنی بعد از گذشت ۱ ماه از تشکیلات فرقه، مرامنامه پذیرفته شده، به صورت بسیار کامل رسمیت یافت. خود مختاری، واگذاری زمین، و شعارهای بنیادینی مانند: رسمیت یافتن زبان ملی اساس این کنگره را تشکیل می‌داد و این کنگره با واگذاری کارهایش به کمیته مرکزی، با عزم راسخ و امیدواری، به کار خود پایان داد. در این کمیته یک کمیته مرکزی متشکل از ۴۱ نفر انتخاب و آقای پیشه‌وری به عنوان رئیس و آقای شبستری و آقای بادگان نیز به عنوان معاونان انتخاب شدند.

مرتجعان تهران برای سرکوب نهضت‌مان زمینه‌سازی کردند. همان طور که پیشتر نوشتیم، نهضت ملی ما به سرعت گسترش مییافت، تهران نیز به همان سرعت در رفتار ارتجاعی خود جدی‌تر میشد. صدراشراف که در دوران مشروطیت پیشه جلادی را بر عهده داشت، سیدمهدی فرخ را با اختیارات تام برای سرکوب نهضت ما، به عنوان والی روانه آذربایجان کرد. فرقه نیز به عنوان پاسخ به این حرکت، گردهم آیی بزرگی تشکیل می‌دهد و در آن گردهم آیی قطعنامه‌ای مبنی بر عدم پذیرش فرخی صادر می‌کند. مجلس شورای ملی نیز ماسک خود را دریده و سیاست واپسگرایانه خود را بروز می‌دهد. اشخاص مستبد و فاشیستی، مانند ملک مدنی‌ها و امیر تیمور کلالی‌ها را به عنوان روسای هیئت برمیگزیند. این امر خود جهت بازهم گسترده‌تر شدن نهضت زمینه مساعدی فرا هم می‌آورد. در همین دوران برای تعقیب و توقیف آزادیخواهان در تهران اقدام میکنند. به ویژه آقایان روستا و شمیده، روسای اتحادیه کارگران بازداشت می‌شوند. افراد تحت تعقیب در تهران هم برای جان به در بردن، نخست به خراسان و سپس به ترکمن صحرا فرار میکنند. رادیو تهران با به صدا درآوردن سرود آذربایجان، سعی میکند که تمام مردم ایران را بر علیه ما تحریک کند. تمامی این اقدامات برای سیاستمداران واپسگرا، نتیجه معکوسی به بار می‌آورد و باعث می‌شود آنان بیشتر سردرگم شوند.

سرانگشت تهران

مقاله‌ای تحت عنوان «سرانگشت تهران» مندرج در شماره ۲۰ مهر ماه روزنامه آذربایجان پرده از روی روشهای خائنه آن روز مامورین تهران برمیدارد. جمله‌های زیرین مندرج در مقاله شایان توجه اند: «سرانگشت سیاه تهران در فجایع روستاهای آذربایجان دیده میشوند و این عبارت است از سرازیر شدن ژاندارمهای بی‌شمار به روستاها! به زور روستاییان را به فتنه و فساد سوق میدهند. به بهانه حفظ املاک اربابان و گرفتن بهره، روستاییان را اخیه میکنند، کتک میزنند، اذیت میکنند و آزار میدهند. ما خیلی خوب میدانیم که عمده مالکین آذربایجان طرفدار صلح و آرامش میباشند، ولی مامورین، به نام آنها خلق را ناراحت و با بهانه‌های مختلف به حقوق روستاییان دست درازی میکنند. فرقه‌مان با تمام توان خود برای حفظ آرامش میکوشد، ولی فتنه‌گران دست از فتنه‌های نحس خود بر نمیدارند. ما از راه قانونی به دادگاه مراجعه کردیم، به ما گفتند: «این کارها در حدود اختیارات ما نیست، ما نمی‌توانیم به کار مردم در این سطح رسیدگی کنیم».

می بینید که مقدرات ملت و مملکت در دست چه کسانی است؟ می‌گویند: ما نمیتوانیم به کارهای حقوقی دخالت کنیم. هرکس زور دارد، میتواند کار را از پیش ببرد رؤسای تشکیلات امنیه و ژاندارم در حادثه (لیقوان) جنایتهای بزرگی را مرتکب شده‌اند. اگر در آن روز اینها مسئول عمل خود شناخته میشدند، رخدادهای این چنینی پیش نمی‌آمد و امروز اگر رئیس عدلیه و مدعی العموم (دادستان) جنایاتی را که در روستاها رخ داده، مورد بررسی قرار میدادند و از مسئولیت شانه خالی نمیکردند، به این شورشها میدان داده نمیشد. ما

بدینوسیله خلعمان را به حفظ متانت و صبر دعوت میکنیم و همزمان با اسناد و مدارک افرادی را که موجب فساد و فتنه شده اند، معرفی و توسط تشکیلات بر علیه آنها به افشاگری خواهیم پرداخت.

بعد از این روزها به وحشیت ژاندارمها افزوده میشود و به جایی میرسد که فرقه در این خصوص با انتشار بیانیه‌ای افشاگری کرده، پیش دوایر صلاحیتدار ایرانی و همچنان کنسولگریهای خارجی جنایتها را شرح داده و بدون تعقیب ماندن این جنایتها را نشان میدهد. ما سندی را که ۲۵ آبان ماه نوشته شده بود، در این جا برای دومین بار تکرار میکنیم:

افشای فجایعی که مامورین دولت در روستاها مرتکب شدند.

نامه سرگشاده فرقه دموکرات برای ماموران سیاسی دول دموکرات

و مقامات صلاحیتدار ایران

اعمال وحشیانه و فاجعه‌آمیز مامورین دولت در روستاها و عدم رسیدگی مقامات ذیصلاح، فرقه دموکرات آذربایجان (کمیته مرکزی) را به مطلع کردن نمایندگان دول دموکرات در آذربایجان و امیدارد تا به این وسیله اقدام به رساندن فریاد دلسوزاننده خلق و ناله‌هایش به گوش مردم متمدن دنیا، اقدام کنند، باشد که در ریشه‌کن کردن چنین مظالمی مفید واقع شود.

سرکنسول‌های دول بزرگ و کارداران آنها را در مملکتمان مطلع میکنیم از آتش و شعله‌هایی که توسط عمال دولتی بر افروخته شده و فرقه دموکرات برای نشان دادن چنین فجایعی به افشای آنها با مدارک زیادی که در دسترس دارد، می پردازد. فرقه دموکرات از روی ناچاری به چنین کاری تن میدهد چون حکومت به هیچ عنوان خود را ملزم نمیداند از اجحاف مامورینش جلوگیری کند، بر عکس، هر روز به شدت آن می‌افزاید. حال، این اعمال نشان میدهد آنها میخواهند خلق آذربایجان را مانند قرون وسطی در اسارت نگه دارند. بریدن لب، دریدن شکم و فجایعی از این نوع و غارت و چپاول در دوران قرون وسطی نیز این چنین سابقه نداشته است.

آقایان شما نمایندگان دول متمدن و فرستادگان خلقهای دموکرات شاهد باشید و انتظار میرود که مظلومیت خلق آذربایجان و فرقه دموکرات را به گوش جهانیان برسانید.

حکومت مرکزی تهران بر تداوم بخشیدن به شدیدترین نوع ستیزه جویی حکومتهای آسیایی ادامه میدهد و پافشاری میکند. حکومت تهران از رسیدن روزنامه‌های ما که انعکاس فریاد مظلومیت ماست، به دست دیگر هموطنان جلوگیری میکند. چاپ و نشر نامه‌ها و تلگرافهای ما در روزنامه‌های مرکز را ممنوع کرده اند.

اگر کسی پای درد دل یکی از این ستمدیدگان بنشیند و تنها از یک درصد فجایعی که در حق آنان صورت گرفته، آگاه شود، بدون شک متاثر شده و مآثرش را به گوش ملت آزاد اندیش خود خواهد رساند که: هنوز در دنیا دولتی وجود دارد که مامورین آن همه قوانین را زیر پا میگذارند، بر خلاف همه قوانین موجود دنیا و بر خلاف انسانیت عمل میکنند و در آن مملکت قانون، دادگستری و دادستانی آلت دست یک مشت مستبد خودسر و سود پرست است. وضعیت کنونی ایران، ننگ دموکراسی جهانی است. باشد جهانیان بدانند که ستمدیدگانی از روی ناچاری به آنها روی آورده و مظلومیت خود را اظهار میدارند تا پاسخی برانگیزند.

موارد زیرین، قسمتی از فجایعی است که مامورین دولتی مرتکب شده اند و مظالمی که از آنها برای عدلیه و سایر ادارات صلاحیتدار شکایت شده که در حقیقت مشتی است از خروار. ولی تا حالا هیچ توجهی به آنها نشده است.

۱- در تاریخ ۲۴/۷/۹ در روستای عجمی مجال هشترود مالک ده محمد صادق خان مجتهدی و مباشر وی به نام عبدالحسین ساسانی همراه با تعدادی مامور مسلح ژاندارمری به روستاییان حمله کرده‌اند. یکی از ژاندارمها یک نفر روستائی به نام زلفعلی را از ناحیه بازو زخمی و

چهار نفر روستایی دیگر به نامهای حسن آقا، غلام، فتحعلی و مشهدی عباداله را بدون مرتکب شدن گناهی هدف قرار داده و به گلوله میبندد و ۵ نفر دیگر از روستاییان را چنان به شدت زخمی میکند که هنوز هم بستری هستند. با اینهمه هنوز هم قاتلین تحت تعقیب قرار نگرفته‌اند، لکن از افراد بیگناه روستا چندین نفرشان دستگیر و محبوس شده‌اند.

۲- در منطقه کاغذکنان، در روستاهای «قوشابولاغ» و «یام بولاغ» در تاریخ ۲۴/۷/۷ محرم و قنبر، دو نفر روستایی به دست اصلائن همایون و استوار ابراهیمی به جرم آزادیخواهی به قتل رسیده و روستاییان به خاطر حمله مسلحانه ژاندارمها، همراه با خانواده‌های خود مجبور به گریختن به صحرا شده‌اند.

۳- در روستای شریبان سراب، یک عده ژاندارم به سرکردگی گروهیان «مقدسی» به منازل روستاییان حمله و با غارت اموال و زندانی کردن خود روستاییان، یک روستایی کشته شده و چند زن سقط چنین کرده‌اند.

۴- ژاندارمها به روستای تیکمه‌داش حمله و خانه‌های آزادیخواهان را غارت و حدود دو خانواده روستایی را با زن و بچه‌هایشان به بیابان فراری داده‌اند.

۵- بیست و دو نفر ژاندارم به فرماندهی سروان «دیبا»، در روستای «اممند» به جان و مال روستاییان تجاوز میکنند که یکصد و پنجاه نفر از روستاییان مانند دیوانگان از ترس مهاجمین فرار کرده و در تبریز به مقر فرقه دموکرات آذربایجان پناه می‌آورند.

۶- در روستای «سنان آباد» حسن ژاندارم و شخصی به نام علی، زنی را آنقدر با قنداق تفنگ میزنند که به حال مرگ میافتد و فرزند دو ساله همان زن، زیر قنداق تفنگ جان میسپارد.

۷- در روستای «گول تپه» سروان عابدینی عده زیادی را به درخت میبندد و از اهالی هرکدام که برای وساطت پا میگذارد، زندانی میشود. در روستای «داغیم» اربابان و افسرگرا به کمک ژاندارمها به خانه همه آزادیخواهان یورش میبرند. پس از غارت اموال ایشان، آنچنان شکنجه‌ای راه میاندازند که عده کثیری از روستاییان سر به بیابان و بیشه‌ها میگذارند. ۳۶ نفر از ساکنان روستا زیر ضربات ژاندارمها به سختی مجروح میشوند که هم اکنون نیز بستری هستند. این‌ها نمونه‌هایی از فجایعی است که ژاندارمها و برخی واپسگرایان محلی آفریده‌اند. شکایاتی که تاکنون به دادگاهها و مراجع قضایی تسلیم و در آن برعلیه ستمگران اعلام جرم شده، از مرز یکصد فقره گذشته است.

در همه این موارد پیگرد مرتکبین جرایم در حدود قانون اساسی و قوانین جزایی مطابق موازین دادگستری و جلوگیری از دخالت غیر قانونی مامورین ژاندارمری در امور حقوقی، از مسئولین ذیربط خواسته شده است. استقلال قوه قضائیه از قوه مجریه بر اساس بخشنامه شماره ۲۵۳۶، به تاریخ ۱۳۲۴/۵/۱۱، به موجب بخشنامه ارسالی ژاندارمری مبنی بر عدم دخالت ژاندارمری در امور حقوقی، تقاضا شده است. چرا که مامورین اداره ژاندارمری، به جای تامین امنیت و آسایش مردم، باعث قتل و غارت و سلب آسایش مردم شده‌اند.

شعبه امور اجتماعی کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان
نشریه آذربایجان، شماره ۵۶ / ۲۵ آبان ماه- ۱۶ نوامبر

سرانگشت تهران، آفریننده این جنایات جان مردم، به خصوص روستائیان را به لب رسانده و آنان را به مبارزه بی امان و خونین مجبور میکند. به جاست به این مسئله اشاره کنیم که فرقه از ۳۰ مهر تا ۲۰ آذر، همواره روستاییان و دهقانان را به حفظ آرامش دعوت کرده و ضرورت کسب آزادی از راههای صلح آمیز را یادآوری کرده است.

سرانگشت تهران، در اعمال جنایات خود آنقدر پافشاری و سماجت به خرج داده که ناگزیر فرقه، فرمان «از خودتان دفاع کنید» را خطاب به دهقانان و روستاییان صادر کرده است. در نتیجه صدور این فرمان، گروه های فداییان پا به عرصه مبارزه گذاشته اند.

ثمرات نخستین کنگره

تاثیرکنگره اول در بین مردم بسیار چشمگیر بوده است. مردم، برای خود یک مرکز ثقل و یک مرکز رهبری حقیقی یافته و آن را به منزله تکیه گاه حقیقی تشخیص داده‌اند. به همین خاطر، مانند روزهای اول، باز هم تلگرافهایی از اطراف سرانگیز شده است. اگر به قطعهنامه کنگره توجه داشته باشیم و به مرامنامه‌ای که تصویب شده، توجه بکنیم، درخواهیم یافت که این، یک جلسه ساده نبوده، بلکه در آن بنا به قول و اعتراف دوستان و دشمنان به نقش نهضت و تاثیر و تدبیر آن اشاره و به مثابه یک نهاد انقلابی مبارز، با تمام آمادگی برای کارهای مبارزاتی برخورد شده است. از این جهت میتوان گفت که خاتمه کنگره دقیقاً مصادف بود با شروع منظم نهضت و دعوت مردم به تبعیت از نظم تشکیلاتی و استقبال مردم از آن.

تهران لرزید و صدر ساقط شد

مایوس شدن فرخ از آمدن به تبریز و پیشرفت فرقه در کارهای روزانه‌اش، در محیط تهران یک نوع ترس ایجاد کرد. واپسگرایان مجلس با گم کردن دست و پای خود، رئیس مجلس را از کار برکنار کردند و در میان هیئت حاکمه، مبارزه شدیدی شروع شد.

عده ای میخواستند با تقویت قوای مسلح و پلیس خلغمان را سرکوب کنند و سران فرقه را از میان بردارند. و دسته دیگر با توسل به عوامفریبی و دادن قولهایی در این زمینه، از جمله فرستادن یک والی مناسب با وعده‌های طمع برانگیز سعی در اغفال خلغمان داشتند. هر دو طرف برای پیش بردن اهدافشان تلاش میکردند و در واقع از سیاست دو پهلو و به اصطلاح «کوسه و ریش پهن» استفاده میکردند. در حالی که افرادی چون سرهنگ وره‌رام، پرویزی و زنگنه، روستاییان و اهالی شهرها را آزار می دادند و سرکوب میکردند، و از پا درمی آوردند. از طرف دیگر افرادی به ظاهر معروف به ملائمت رفتار، مانند حسام السلطان بیات را والی تعیین نموده و سفارش میکردند که با رهبران نهضت سازش کند و با وعده دادن اصلاحات بزرگ، پرده‌ای مقابل دیدگان حقیقت‌بین مردم بکشد و آنان را اغفال کند. البته این هر دو سیاست، یعنی «کوسه و ریش پهن» از چشم مردم، پنهان نماند و در نهایت به تقویت و پیشرفت فرقه انجامید و از طرف دیگر سبب شد محیط پرتنش در منطقه به وجود آید و در نتیجه، مردم بیشتر در صحنه باشند.

در راه تشکیل حکومت ملی

فعالیت نمیتوانست در یک چهارچوب ثابت محدود شود. فرقه که با طرح شعارهای دموکراتیک ملی، مردم را به خیزش واداشته بود، نمیتوانست تنها به حرف و شعار قناعت کند. هیئت دولت حکیمی، جایگزین دولت صدرالاشراف، تحت تاثیر القائات واپسگرایان فراری از تبریز، حاضر به شنیدن درخواستهای ما نبود. حتی تلاش میکرد مواد مصرحه مربوط به تشکیل انجمن ایالتی در قانون اساسی را با سفسطه و پشت هم اندازی از میان بردارد.

کمیته مرکزی با مد نظر داشتن اوضاع اجتماعی و با تعقیب دقیق روند تحولات هیئت حاکمه تهران، برای عملی کردن آرمان فرقه، از مرحله سخن به مرحله عمل گام برداشت. از یک سو تشکیل گروه های فدایی از دهقانان جان به لب رسیده از ستم ژاندارمها و از طرف دیگر، ضرورت تشکیل دولت ملی برای برآوردن آرزوها و آمال مردم پا به عرصه زندگی گذاشت و اجرای بدون فوت وقت این اقدام به عهده آقای پیشه‌وری گذاشته شد. برای نیل به این هدف، همه اعضای فرقه و به طریق اولی سران تشکیل دهنده نهاد کمیته مرکزی فرقه، به طور جدی شروع به فعالیت کردند. در نتیجه این فعالیتها، نهادهای دولتی موجود در آذربایجان متزلزل و رفته- رفته به زوال قطعی نزدیک شد. در نهایت امر، دو نوع حکومت عملاً در عرصه ظاهر شدند که یکی از آنها تشکیلات

فرقه) دموکرات بود که روز به روز توانمند، پویا و شکوفا میشد و دیگری سنگر های خود را یکی بعد از دیگری ترک کرده و مجبور به عقب نشینی میگردد و این تشکیلات دولتی بود.

آخرسر کار به جایی رسید که دبیر اول فرقه به منظور ایجاد تحمل و عادت به صبر و منانت و رفتار عاقلانه در اعضای فرقه، مقاله زیر را نوشت و در روزنامه آذربایجان چاپ و منتشرکرد.

فضولی موقوف

شنیده ایم که از میان مهمانان دعوت شده، رئیس شهرداری به یک بیقانونی بزرگ دست زده، به جای این که به طور قانونی از نمایندگان برگزیده مردم دعوت کند، از نمایندگان قدیمی انجمن شهرکه هشت ماه پیش، وقت قانونی فعالیتشان تمام شده، دعوت به عمل آورده و به وسیله آنها دست به بعضی کارها زده است.

اینگونه فضولی ها وقتش به سر آمده است. نه تنها برای رئیس شهرداری، حتی برای مقامات بالاتر از او نیز خلق آذربایجان به بیقانونی و دیکتاتوری راه نمیدهد.

آقای شهردار باید یکبار برای همیشه بداند که اینجا آذربایجان است. دیکتاتوری را از اینجا یعنی از مرکز آذربایجان نمیتوان شروع کرد! بوسیله انجمنهایی که موعدهش تمام شده و یا توسط مجلس شورای ملی، نمیتوان حتی یک دینار از مال مردم را خرج کرد. کسی که مرتکب چنین عملی بشود هرکسی که میخواهد باشد- خائن و مجرم شناخته شده و باید به محکمه جلب شود. ما نظر قانون و دادستان را براساس ضوابط قانونی به این دزدی بزرگ و خیانت جدی جلب میکنیم. پدرجد وزارت کشور هم نمیتواند استقلال برگزیدگان انجمن شهر را مخدوش کند. اگر مقامات ذیصلاح نخواهند این عناصر مستبد و قلدر را به محکمه بکشند خود مردم پیشقدم میشوند و از حق خویش دفاع میکنند. فضول باشیها باید بدانند که پامال کردن حقوق مردم یک شهر به آسانی ممکن نیست و ارزان تمام نخواهد شد. اجرای نقشه فرج به سادگی سر نمیگیرد. ما برای تمشیت امور شهرمان انجمن انتخاب کرده و مردم با حفظ نزاکت و منانت تا آغاز کار انجمن منتظر ماندهاند. مستبدان، واپسگرایان و خائنان که وزارت کشور را قبضه کرده اند، با رفتار کجدار و مریز، دفع الوقت کرده و در صد لغو تحفه قانون ارسال میگویند و پامال کردن حقوق مردم هستند. با توجه به این موارد، از اجلاس عمومی کمیته مرکزی فرقه مان که در جریان است، تشکیل قانونی و رسمی انجمن شهر را تقاضا می کنیم. باشدکه تهران برای اولین و آخرین بار عدم کارساز بودن این مداخلات را باورکند.

شعارهای دومین مرحله نهضت

در مقاله ای که تحت این عنوان نوشته شده، به طور خلاصه چنین آمده است «شعارهای ما در این مرحله عبارت است از: تشکیل انجمنها و آغاز هر چه سریعتر انتخابات پانزدهمین دوره مجلس شورای ملی، این امر یک فعالیت سیاسی خطیر است. این کار، فرقه را هر چه بیشتر به مردم نزدیکتر و حقیقت رهبری فرقه را تثبیت می کند. هیچ سازمان سیاسی تنها با اعضای سازمان نمیتواند به اهداف خود نایل شود

در دومین مرحله فعالیت، از کارگزاران فرقه می خواهیم که:

«با تشکیل گرد هم آیی ها و دیدارهای جمعی، با تشریح اهمیت انتخابات و تشکیل انجمن ها، مردم را برای مبارزه در این راستا آماده نمایند.»

«در یک کلام، دوره سازماندهی و بنای تشکیلات پایان یافته و دوره آگاهی و عمل فرا رسیده است. از امروز دیگر فرقه در راه کسب قدرت سیاسی مبارزه میکند. قدرت سیاسی به وسیله انتخاب انجمنها و نمایندگان مجلس از میان آزادیخواهان و شخصیتهای مردمی و دموکرات قابل حصول است. هیچ کدام از اعضای فرقه نمیتواند این مسئله را ندیده بگیرد.»

بدین ترتیب، آمادگیهای فرقه به مرحله اقدام گام میگردد. روزنامه آذربایجان، زبان گویای فرقه، لحن خود را عوض کرده و مردم را به خیزش و مبارزه عملی دعوت مینماید. «ثروت های آذربایجان، باید در آذربایجان بماند»

و «ناشنوایان بشنوند و نایبانیان ببینند» عناوین مقالاتی است که آغاز عملی خیزش بزرگ را نوید میدهد. به ویژه در آخرین مقاله، آقای پیشه‌وری نوشته است: «از تبلیغات و مقالات به تنهایی کاری برنمی‌آید. مقالات تنها و تنها انعکاس فعالیت فرقه ما در مطبوعات است.»

در این مرحله، یعنی در واپسین روزهای آبان ماه فرقه بر اساس طرحهای مشخص‌تر فعالیت میکند. اجلاس عمومی کمیته مرکزی فرقه‌مان که در ۱۷ آبان ماه تشکیل یافته بود، گذر از سخن به عمل را مقرر میدارد. از یک طرف تشکیل گروههای فدایی و از سوی دیگر وسایل تشکیل دولت تدارک دیده میشود.

آخر سر، قیام ۲۱ آذر قطعیت مییابد. در قطعنامه اجلاس عمومی هم‌گزینه‌های انجمنهای ایالتی و محلی و انجام انتخابات بدون آنکه منتظر آمادگی و یا موافقت تهران بمانند، مقرر میگردد.

تصمیمات

۱- « بیاننامه مشهور فرقه و شعارهای اعلام شده در نخستین کنگره آن عموماً در ایران و بالاخص در آذربایجان تاثیر عمیقی بر جای گذاشت و حرکت دموکراتیک را توانمندتر ساخت. اجلاس عمومی فرقه، یادمان این امر را با سرور تمام برگزارکرد و تصمیم گرفت که عملی کردن شعارها را آغاز کند.

تحقق عملی شعارها برای تامین خودمختاری ملی آذربایجان، از طریق تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و برگزاری بدون فوت وقت انتخابات مجلس شورای ملی امکانپذیر است.

۲- فرقه، دوره سازماندهی را به اتمام رسانده است، بنابراین، اینک تبلیغات گسترده‌ای را پیش میبرد و برای گرد آوردن مردم حول محور فرقه، گردهم‌آیی‌ها و سخنرانیهای عظیمی را تشکیل میدهد و قادر است پیوستن نیروهای فعال به فعالیت فرقه را به منظور پیشبرد امر، میسر سازد.

۳- ضمن تاکید بر انجام انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی با پشتیبانی، حمایت و توان خود مردم، خاطرنشان میسازد که کمیته باید در آینده نزدیک گردهم‌آیی بزرگی از برگزیدگان مردم آذربایجان برگزار نماید.

۴- باید اوراق عضویت در اسرع وقت میان کسانی که قبلاً برای پیوستن به فرقه ثبت نام کرده اند، توزیع شود و با پخش تمبرهایی که پیشتر توسط فرقه تدارک دیده شده، حق عضویت‌ها گردآوری شود.

۵- باید اشخاص مسئولی برای استحکام فعالیت جوانان، تعیین و معرفی شوند تا فعالیت را در میان جوانان گسترش داده و آنان را برای فعالیتهای آینده آماده نمایند.

۶- با نیروی متمرکز عموم مردم، از هجوم و یورش قانونشکنانه ژاندارمها به دهقانان در روستاها، جلوگیری به عمل آید.

در همین تاریخ با مقاله زیر در روزنامه آذربایجان برخورد می‌کنیم.

تجمع‌های بزرگ مردمی

در شهرمان، از مردم برای تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و انتخابات مجلس و بحث در خصوص این‌ها دعوت همگانی به عمل آمده است. به این همایش، تشکیلات فرقه، رهبری حقیقی و میهنی مردممان نظارت میکند. بنا به معلوماتی که دریافت کرده ایم، در قصبات و روستاها، نیز این همایشها چشمگیر است.

همه این ها دلیل این است که ملت آذربایجان زنده است. مامورین حکومت تهران از روی جهل و نادانی بعد از تشکیل فرقه برای از بین بردن طرفداران و شاخه‌های آن در دهات به تدابیر وحشیانه‌ای دست زدند که مایه تحقیر انسانیت بود. خوشبختانه، این اعمال به نفع فرقه‌مان تمام شد و موجب نزدیکی مردم به فرقه گشت و فرقه با سرعت در روستاها ریشه دواند.

درست است که صدها روستایی، توسط زاندارمها مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند و باز هم باید اعتراف کرد که فرقه ما نتوانسته به این ها کمک شایانی بکند، لاکن روستایی فهمیده که بدبختی و فلاکتشان موقتی است. با تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی خیلی سریع به این جنایات میشود پایان داد. به همین خاطر، روستاییان هم با تمام قوا، شروع و سرگیری فوری این کار را طلب میکنند.

ما این را میدانیم که نیروهای ارتجاعی از اقدامات خود برای نگهداشتن مردم ما در زیر اسارت و ممانعت ازگرد آمدن آنان حول محور فرقه به آسانی چشم نخواهند پوشید. لیکن، فرقه‌مان با راه و خطی که با دقت و صراحت انتخاب کرده، این آرزو را در دل آنها خواهد گذاشت. حال در تمام آذربایجان دو جریان به وجود آمده. یکی شامل ماموران دولتی است که برای کسب مال و مکنت مردم را سرکوب و خفه میکنند و آن دیگری عبارت است از نیروهای ملی که در جهت تامین عملی آزادی و دموکراسی برای مردم گام بر میدارند. آن یکی به خاطر تکیه بر ظلم و بیداد روز به روز تحلیل رفته و از میدان به در می‌رود و این یکی به خاطر قهرمانی و مبارزه در راه سعادت و بهروزی انسانها، روز به روز قوت و قدرت بیشتری کسب میکند و با گرد آوردن مردم در اطراف خود بنای قدرت ملی آینده را محکم تر میکند.

دیگر جنبش بزرگ و ملی شروع شده و برای تامین آزادی، زمان اجرای شعارهای ملی فرا رسیده است. دیگر کسی به تهمت‌ها و افتراها اعتنایی نمیکند. چهره کسانی که به فعالیت جدی دو ماه و نیم فرقه تهمت میزدند آشکار شده و درست و صحیح بودن راه فرقه‌مان به اثبات رسیده است

اکنون دیگر همه میدانند که فرقه دمکرات آذربایجان بر خلاف گفته‌های دشمنان خود، به نفع استقلال و تمامیت ایران گام بر میدارد، اکنون دوست و دشمن فهمیده‌اند که خود مختاری ملی، تجزیه نیست. هیچ کس جدائی آذربایجان را از ایران نمیخواهد، و آنرا به بیگانگان نمی‌فروشد. همه این تبلیغات به خاطر خفه کردن آزادی از طرف مرتجعین مطرح میشود.

خلق آذربایجان میخواهد بسیار ساده و طبیعی کارهای سیاسی- اجتماعی و اقتصادی خویش را خود اداره کند و میخواهد با قدرت بازوی خود راههای تکامل را به روی ملت خویش بگشاید و در این راه تلاش میکند. هدف تمام آذربایجانی‌های شرکت کننده در گردهم آیی‌ها و اجتماعات همین است و بس!

تاکنون در مورد آزادی، اتحاد و مردمی بودن، حرفهای بسیار خوب و فراوانی زده شده و وعده های شیرینی داده شده است. اما خلق ما دیگر تنها حرف و وعده را باور ندارد، او حق هم دارد که عمل بخواند. تا امروز فرقه‌های مختلفی با عناوین گوناگون پدید آمده‌اند، ولی نتوانسته‌اند عملی از خود نشان بدهند و فرقه‌مان قصدش عمل کردن به شعارهایش میباشد. هدف گردهم آیی‌ها هم همین است. خلق به شکلی خیلی روشن تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی را می‌طلبند. برای جلوگیری از پیمان شکنی قانون اساسی، خواستار انتخابات مجلس پانزدهم میباشد و مردم راهبری این امر را از فرقه انتظار دارد. تداوم گردهم آیی‌ها و سخنرانیهای روشنگرانه در آذربایجان به همین مناسبت است. بدین ترتیب، همه آذربایجانیها به پا می‌خیزند، در روستاها، قصبات و شهرها گردهم آیی‌های ۱۰، ۲۰ و ۵۰ هزار نفری برگزار میشود و قطعنامه‌های کتبی صادر میشود و در این قطعنامه‌ها تشکیل انجمنهای ایالتی و تامین خودمختاری ملی توسط فرقه دمکرات، درخواست میشود. این همایشها که در برگزیده اکثریت مردم میباشد، به صدور قطعنامه قناعت نمیکند، شروع به اقدام عملی کرده و برای احقاق حقوق خود و واقعیت بخشیدن به خواسته‌هایشان در زندگی اجتماعی، نمایندگانی انتخاب و به کنگره‌ای که در تبریز تشکیل میشود، گسیل میدارند. بدین ترتیب کنگره بزرگ خلق در آذربایجان شکل میگیرد.

این کنگره، روز ۲۹ آبان ماه، ساعت ۱۰ صبح در شهر تبریز، در سالن شیر و خورشید و به ریاست سنی برادر ستارخان سردار ملی، گشایش مییابد. نخست آقای سعید دیوان، یکی از مجاهدان قدیمی و بنام آذربایجان، از طرف آزادیخواهان، برگزاری کنگره را به حصار تبریک میگوید. بعد، نمایندگانی که از دیگر شهرهای آذربایجان آمده بودند، با سخنان گرم و خطابه‌های آتشین خود، به کنگره و تشکیل دهندگان آن درود گفتند و سپس نخستین جلسه کنگره را به معارفه و گزارش کومیسیون (مجمع) اعتبارنامه اختصاص داده شد. بعد از ظهر همان روز، آقای پیشه‌وری سخنرانی مفصلی در مورد تحلیل کلی وضعیت و وظایف کنگره انجام میدهد. سخنرانی وی با استقبال گرم ۸۰۰ نفر نمایندگانی که در کنگره گرد هم آمده‌اند، روبرو و به دفعات با ابراز احساسات قطع میشود. بدین ترتیب، نمایندگان اعتقاد خلل‌ناپذیر خود را نسبت به مشی فرقه به اثبات میرسانند. نطق آقای پیشه‌وری با جملات زیر خاتمه مییابد:

"خواسته ما این است که اداره امور ما به دست خودمان انجام گیرد. ما خواهان جدایی آذربایجان از ایران نیستیم، تنها می‌خواهیم آذربایجان دارای خودمختاری داخلی باشد، آذربایجان هندوستان نیست، اینجا آذربایجان است. اینجا تاریخ درخشانی دارد، این ملت زنده است. ملت آذربایجان ستارخان‌ها، باقرخان‌ها و شیخ محمد خیابانی‌ها به تاریخ ارائه داده است و تاریخ پر افتخاری دارد. ما از خودمختاری ملی صحبت می‌کنیم و اداره کردن تجارت، بهداشت، معارف، پست و تلگراف و تمام کارهای خلقمان را می‌طلبیم. آزادی گرفتنی است، دادنی نیست. اگر بخواهند، مسلحانه با مردم روبرو شوند، بگذار برای دفاع از خود، این کنگره ملی، نیروی مسلح متشکل از جوانانمان را بی‌آفریند. (تمامی سالن بپا می‌خیزد و طنین دست زدنهای ممتد و شورانگیز برای چندین دقیقه ادامه می‌یابد).

این فریادهای نایب، و این بپا خواستن‌ها، نشانگر آن است که خلقمان به طور حقیقی در نهضت‌مان مشارکت می‌کنند و در حقیقت، این حالت بیانگر آغاز نهضت می‌باشد و معنای قیام ملی نیز همین است.

این کنگره، با ارائه بیانیه تاریخی خود مقامات صلاحیتدار ایرانی و نمایندگان حاضر دولتهای خارجی در آذربایجان را مخاطب قرار می‌دهد. اگر در این بیانیه دقیقاً تأمل شود، اساس سیاست امروز فرقه آشکار می‌گردد. اصل بیانیه چنین است:

امسال در روزهای ۲۹ و ۳۰ آبان ماه در شهر تبریز در سالن شیر و خورشید با امضای ۱۵۰ هزار نفر از عموم اهالی آذربایجان و حومه، طی یک گردهم آیی با شرکت ۷۰۰ تن از نمایندگان منتخب، کنگره خلق تشکیل و در جلسه چهارم، مسائل اساسی خود را مطرح و خواسته‌های خود را طی مواد ذیل که در اعلامیه مذکور به همین وسیله برای ابلاغ به حکومت مرکزی ایران، مقرر می‌دارد:

۱- مردم آذربایجان، بنا به دلایل و رخدادهای بیشمار تاریخی که بیان آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد، دارای ملیت، زبان، آداب و رسوم و دیگر ویژگیهای ملی مخصوص به خود است.

این ویژگیها به آذربایجان اجازه می‌دهد که به موازات حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، بر اساس اعلامیه آتلانتیک، مانند همه ملل دنیا در تعیین سرنوشت و اداره خود دارای حق انتخاب باشد.

۲- کنگره، با در نظر گرفتن حفظ روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مردم آذربایجان، با دیگر ولایات ایران، فداکاریها و خدمات این مردم را در پیدایش و تاسیس حکومت فعلی ایران- حقیقتاً دولت کنونی ایران توسط آذربایجانی‌ها بنیان گذاشته شده است- مد نظر قرار می‌دهد و به هیچوجه اجازه نمی‌دهد که دولت مرکزی تقاضاهای مشروع و قانونی آن را که عبارت از کسب خودمختاری ملی است، به عنوان تهدید کننده مرزها و عامل تجزیه ایران قلمداد کند.

۳- آذربایجان با تمام توان خود حامی و طرفدار دموکراسی است که شکل مشروطه به خود گرفته است. ملت آذربایجان نیز مانند دیگر ایالات و ولایات ایران، نمایندگان خود را به مجلس شورای ملی روانه خواهد کرد و در پرداخت مالیات عادلانه به حکومت مرکزی شرکت خواهد جست.

۴- مردم آذربایجان رسماً و علناً اعلام می‌دارد که ضمن حفظ تمامیت ارضی ایران، مانند همه ملل زنده دنیا حق دارد برای اداره امور خود، حکومت ملی ایجاد کند. مردم آذربایجان در حد توان خود برای حفظ تمامیت ارضی ایران خواهد کوشید و به موازات آن قادر است آذربایجان را با اصول مبتنی بر حاکمیت ملی و دموکراسی اداره نماید.

۵- مردم آذربایجان می‌خواهد به پاس جانفشانیهایی که کرده و قربانیهای بیشماری که در راه آزادی و دموکراسی داده، حکومت خودمختار ملی را مبتنی بر بنیانهای دموکراتیک بنا کنند. به همین دلیل، آذربایجان بر اساس نظامنامه داخلی مصوب کنگره ملی، نمایندگان مجلس ملی خود را برگزیده و تأکید دارد که اعضای حکومت ملی آذربایجان از میان همین نمایندگان انتخاب شود و در برابر مجلس ملی پاسخگو باشد.

۶- مردم آذربایجان به زبان ملی و مادری خود عشق می‌پورزد. تحمیل زبان غیر، او را از کاروان ترقی و تمدن عقب نگهداشته و راه شکوفایی فرهنگ و آموزش ملی وی را سد کرده است. کنگره ملی آذربایجان برای جلوگیری از ادامه این تحمیل و تدارک ابزارهای رشد و ترقی، خطاب به هیئت ملی مقرر می‌دارد: امکان رسمیت یافتن زبان آذربایجانی را در ادارات دولتی و تدریس آن در همه مدارس (اعم از دولتی، یا ملی)، فراهم آورد.

۷- کنگره ملی آذربایجان که با امضای ۵۰ هزار نفر و شرکت ۷۰۰ نماینده تشکیل شد، خود را بنا به اراده ملت آذربایجان، به عنوان مجلس موسسان معرفی میکند و برای اداره امور داخلی آذربایجان، هیئت ملی متشکل از ۳۹ نفر را انتخاب و اختیار لازم را برای عملی کردن خواسته‌های مردم و مشارکت درگفت وگوها با مقامات صلاحیتدار حکومت مرکزی به آنان تفویض کرده است. هم چنین این هیئت مسئول اجرای انتخابات مجلس ملی آذربایجان و مجلس شورای ملی میباشد.

در پایان، کنگره ضمن جلب نظر دولت ایران و همه دول دمکراتیک جهان به موارد مندرج در بالا، اعلام میدارد، که برای اجرای این موارد فقط از طریق تبلیغ و سازماندهی مردمی اقدام میکند و مصمم است که اجازه ندهد جنگ داخلی و برادرکشی بروز کند. ولی اگر دولت مرکزی بخواهد حقوق قانونی و طبیعی مردم آذربایجان را از راه قهرآمیز و به طور مسلحانه پایمال کند، در آن صورت از روی ناچاری به هر بهای ممکن از حقوق خود دفاع خواهد کرد و تا آخرین نفر در راه تامین خودمختاری ملی خود مبارزه خواهد کرد.

مجلس موسسان (کنگره ملی)، به هیئت ملی اختیار میدهد که، برای تامین خودمختاری ملی، با مقامات دارای صلاحیت حکومت مرکزی مذاکره کند و مسئله را از راه مسالمت آمیز حل نماید. با این حال، هیئت ملی به هیچوجه نمیتواند از خودمختاری ملی صرفنظر کند و یا تمامیت ارضی ایران را مختل نماید.

ما از صمیم قلب آرزومندیم که جهان دمکراسی از وجود ملتی آگاه شود که آماده است تا با تمام توان از حقوق قانونی خود دفاع کند. ملتی وجود دارد که درگوشه‌ای از آسیا پرچم آزادی و دمکراسی را برافراشته، میخواهد تنها با اتکا به توان خود، آزادی خود را تامین کند.

امیدواریم که مقامات ذی صلاح ایرانی و دول دمکراتیک جهان از کمک نوع دوستانه به تامین منظور ملی ما که منطبق با منشور آتلانتیک میباشد، دریغ ننمایند.

با احترامات فائقه،
هیئت رئیسه مجلس موسسان «کنگره ملی»

جالب توجه تر از این بیانیه، قطعنامه کنگره ملی است که ما متن آنرا برای استفاده مسئولین تبلیغاتمان درج می‌کنیم:

قطعنامه موسسان مجلس ملی آذربایجان

روز سه شنبه ۲۹ آبان ماه، کنگره ملی بزرگ آذربایجان با آگاهی‌هایی که آقای پیشه‌وری در خصوص اوضاع عمومی آذربایجان به دست داد، قطع نامه زیر را با اتفاق آرا به تصویب رساند.

۱- در نتیجه فعالیت‌های ملل بزرگ دمکرات، دیکتاتوری، زورگویی و نژادپرستی و قوای وابسته بدانها برای ابد سرنگون شد و تمام ملتها امکان یافتند که توان اداره کردن امور خود را به دست آورند. و با به وجود آمدن چنین امکاناتی، خلق آذربایجان به تمام معنا به عنوان یک ملت به پا خاسته و میخواهد حقوق طبیعی و قانونی خود را به دست آورد.

۲- خلقمان برای رفع هرگونه سوء تفاهم و بستن راه‌های تهمت بعد از به دست گرفتن مقدرات خود، جدا ناپذیری خود را از ایران اعلام و حفظ برادری با تمام خلقهای ایران را وظیفه خود میداند.

۳- کنگره ملی برای مقابله با تهمت‌ها و افتراهای دشمنان آزادی، بسیار صریح و روشن تجزیه آذربایجان از ایران را تکذیب و با الحاق آن را به کشور دیگری به طور جدی رد میکند.

۴- خلق آذربایجان به اصول مشروطیت وفادار مانده و برای اجرای اصول مترقی قانون اساسی تلاش خواهد کرد.

۵- با رعایت قوانین عمومی مشروطه و به منظور کاربست آن در اداره امور داخلی و تامین خودمختاری ملی، از آن استفاده کرده و با توسعه، تشکیلاتی انجمن ایالتی، به آن نام مجلس ملی میدهد. و این، به منزله خلل وارد کردن به تمامیت ارضی و استقلال ایران نمیشد.

۶- بنا به قطعنامه گردهمایی بزرگ خلق، کنگره خلق با رهبری فرقه دمکرات، انتخابات مجلس شورای ملی وگزینش انجمن ولایات با فوریت شروع خواهد شد.

۷- برای هر ملتی زمانی حاکمیت داشتن بر مقدراتش امکان پذیر میشود که در محیطی که زندگی میکند برای اداره کردنش قوانین اساسی مدونی داشته باشد.

ما خیلی خوب متوجه هستیم که با تمرکز مرتجعان در تهران از چنین اختیاری برخوردار نخواهیم بود، بلکه برای تحمیل اراده خائنانه خود به ما انگلهای خود را برای مقابله با ما خواهند فرستاد. از این رو آرزوی خلقمان را برای تشکیل کنگره بزرگ عملی خواهیم ساخت تا برای حفظ و تحکیم پایه های خودمختاری خود مجلس ملی را به وجود آوریم.

۸- طبیعی است که دستیابی به خودمختاری ملی در امور فرهنگی- سیاسی و ملی، بدون داشتن مجلس مؤسسان و به وجود آوردن یک حکومت ملی، صرفاً یک شعار و حرف توخالی خواهد بود. از این رو با تشکیل یک حکومت ملی باید بدون تاخیر اداره امور را به دست بگیریم.

۹- تا انتخابات مجلس ملی و رسمیت یافتن حکومت ملی، کنگره، 30 نفر از نمایندگان را به عنوان هیئت ملی انتخاب میکند. طبق مفاد قطعنامه، این هیئت موقتی میباشد.

۱۰- این هیئت تا تشکیل حکومت ملی کارهای مربوطه را انجام داده و با تشکیل مجلس ملی وظایفش خاتمه خواهد یافت.

۱۱- کنگره ملی برای تامین و حفظ امنیت انتخابات مرکز و شهرستانها، از هر نوع اختیاری برخوردار بوده و میتواند تدابیر لازم را به عمل بیاورد.

۱۲- کنگره ملی از مامورانی که در راس ادارات قرار دارند، می خواهد تابع تصمیمات هیئت ملی باشند، از رهنمودها و مقررات آن اطاعت نمایند و اخراج کسانی را که میخواهند خود را حاکم مطلق العنان نمایانده و برعکس تصمیمات رفتارکنند، ضروری میدانند.

۱۳- کنگره ملی، در تمام مدارس تدریس اجباری زبان آذربایجانی را به هیئت ملی توصیه کرده و کسانی که از اجرای این وظیفه ملی جلوگیری نمایند، دشمن خلق حساب شده و برای مقابله با افکار ارتجاعی و ممانعت از تحقق اعمال خائنانه آنها تدابیری را اتخاذ خواهد نمود.

۱۴- کنگره، در فکر انحلال تشکیلات پلیسی، ژاندارمری و ارتش نیست. آنها با لباس رسمی خود و حفظ درجه به وظایفشان عمل خواهند کرد. لیکن، اگر از جانب ایشان خطری متوجه حکومت ملی ما وجود داشته باشد، به هیئت ملی اختیار داده میشود برای مقابله با خیانت آنها تدابیر لازم را به اجرا بگذارد.

هیئت ملی

کنگره با حضور ۸۰۰ نفر نمایندگان منتخب عموم مردم، با اختیارات تام به طور منظم و در عین حال بر حرارت، کارش را به اتمام رساند. در این کنگره دردهای پنهان نمایندگان خلق نمایان شد و نمایندگان با گفتن و ابراز خواسته هایشان از یکدیگر سیقت گرفتند. شعارهایی که در حین برپایی کنگره طرح می شد، همگی از تشکیل حاکمیت ملی حکایت میکرد. احساسات پر شورگاهی سبب میشد که کنگره از کارهایش بماند و سبب وقفه و یا تمایلات دیگر در کنگره میشد که رهبران فرقه با تاکتیکهای به خصوص و افکار بلندشان مقابل این احساسات را به نحو احسن گرفته و کار را به مجرای خود می کشاندند. برای مثال در جواب یکی از نمایندگان که در مورد انقلاب سرخ صحبت می کرد، آقای پیشه‌وری این گونه گفتند:

«من شعارهای دیروزی و خواسته های قبلی را تکرار می کنم. ما خودمان را از ایران مجزا نمیدانیم. ما زنده کردن مشروطیت را می طلبیم. دوستانی که صحبت می کنند، رعایت این موضوع را لازم بدانند. دشمنان ما

تہمت‌های گوناگونی میزنند. مثلا رادیوی ترکیه میگوید: در تبریز کسانی که عصیان کرده‌اند، ادارات را اشغال میکنند. ما ایستگاه رادیو نداریم تا به دنیا بفهمانیم که این گفته‌ها، همه مزخرف و افتراست. ما به استقلال ایران علاقه‌مندیم. ما فقط برای گرفتن خودمختاری ملی آذربایجان اقدام کردیم و در این خصوص تا آخرین نفر از مبارزه دست نخواهیم کشید، حالا سخنرانان، این موضوع را به طور کامل مراعات کنند.»

برای به دست آوردن یک نمونه از کار و فعالیت کنگره، قسمتی از مذاکرات جلسه سوم آنرا در اینجا درج میکنیم.

آقای الهامی:

مملکت مشروطه از مجلس و انجمن تشکیل می‌یابد و به وجود آورنده آنها نیز مجلس مؤسسان می باشد. انتخاب ما و تشکیل این کنگره از طرف عموم ملت آذربایجان به منظور دستیابی به مجلس مؤسسان است. نمایندگان محترمی که در اینجا حاضر شده‌اند، باید به وظایف مهم و سنگین خود واقف باشند. همانطور که رهبر محترم در نطق خودشان گفتند: هریک از افراد آذربایجانی به مراتب بیشتر از سایر ایرانیها به استقلال و پرچم ایران علاقه‌مند است. من سخنانم را خلاصه کرده و می‌گویم که در این کنگره ما باید طوری تصمیم بگیریم که نسل آینده به ما نفرت نوزند و به ما رحمت بفرستند. زنده باد استقلال ایران! زنده باد مطالبات به حق آذربایجان! (ابراز احساسات)

بعد، نوبت سخنرانی به آقای شبستری، عضو کمیته مرکزی فرقه و یکی از پیشکسوتان رهبری داده شد.

آقای شبستری:

در کشوری چون ایران که یک مملکت بزرگ به حساب می‌آید، یک جمعیت ۲۰۰ میلیونی میتواند زندگی کند. در ایران در نتیجه بیعدالتی، بیشتر از ۱۰ و یا ۱۵ میلیون نفر نفوس نیست. (چهل) سال پیش ملت آذربایجان قیام کرد و آزادی را برای ملت ایران به ارمغان آورد. در آن موقع تبریز، مرکز آزادی ایران بود. از آزادی که خلقمان در آن وقت به دست آورد و از مشروطیت که کوتاه زمانی زنده ماند، مردم توانست تا حدودی استفاده کند. بعد از آن که به تهران منتقل و رنگ مشروطه و آزادی عوض شد، حتی به مراتب بیشتر از دوره استبداد به خلق ستم و فشار وارد آمد. تا شهریور ماه، ملت ما گرفتار افرادی چون پهلوی و جوجه دیکتاتورهای بود که دور او جمع شده بودند و در نهایت زیر فشار زندگی می‌کردند. بعد از شهریور هم طرفداران پهلوی مملکت را ویران و ملت را به اسارت درآوردند و امنیت‌مان را که میبینید به چه فلاکتی انداخته‌اند. خلق دمکرات و آزادیخواه ما بعد از گذشت چهار سال از شهریور، در حالت انتظار زندگی کرده و به خاطر نتیجه نگرفتن نخست، بنام فرقه دمکرات را منتشر و امروز برای طلب کردن حقوق خود کنگره خلق را تشکیل میدهد و آرزوهای خود را عملی خواهد کرد (فریادهای ابراز احساسات).

آقای افتخاری، نماینده سردرود:

آقایان محترم، از طرف ۴۸ روستا و ۳۶ هزار نفر به شما سلام عرض می‌کنم و تشکیل کنگره خلق را به شما تبریک میگویم. در انتخابات پیشین ایران اشتباهی رخ داده است. در مجلس ملت، نمیتوان فنند، شکر، تخم مرغ، سیب زمینی، لاستیک معامله کرد. در مجلس باید افرادی که دردشناس مردم هستند، حضور یابند. اینها خودشان نیز میدانند که کارهای نادرستی انجام میدهند و در نتیجه کار آنهاست که ژاندارمها سرهای ما را زیر قنداق میگیرند. ما به ظلمهای حکام مرتجع و جنایت‌هایش پایان خواهیم بخشید و خودمان انجمنهای ایالتی و ولایتی به وجود خواهیم آورد.

خلیل آذر، از طرف روستای ملک‌کندی:

از طرف اهالی ملک‌کندی و حومه آن به این کنگره سلام آتشین عرض میکنم. ما اجرای قانون اساسی را میخواهیم و این که دولت مرتجع دست از سر ملت آذربایجان بردارد. ما رفع این فجایع و ظلم‌ها را از این کنگره میخواهیم. ما گرفتن انتقام جوان ۲۰ ساله‌ای را که چند روز پیش در ملک‌کندی کشته شد، با سپرده شدن قاتلانش به دادگستری ملی، از کنگره ملی خاستا ریم.

جاوید استقلال ایران! زنده باد سعادت و خوشبختی آتی ملت آذربایجان.

آقای یزدانی، نماینده خوی:

در مورد یک جفت جورآبی که یک پیرزن اهل خوی برای آقای پیشه‌وری فرستاده بود، صحبت کرد و پیام پیرزن را به کنگره رساند:

آن پیرزن گفت که از رهبر شما خواهش میکنم ما و فرزندان ما را از ظلم ژاندارمها برهانند. در خاتمه افزود، زنده باد حکومت خودمختار خلق آذربایجان.

آقای پیشه‌وری با اشاره به ارسال جوراب توسط پیرزن گفت: من افتخار میکنم و این جوراب را به موزه آینده آذربایجان تقدیم خواهم کرد و بدین وسیله احساسات مادران و خواهرانمان را برای نسلهای آینده زنده نگه‌خواهیم داشت، باشد که دختران مهندس و زنان دکتر هدایای خواهران بیسواد خویش را ببینند و از احساسات آنان سرمشق بگیرند.

آقای جودت، نماینده اردبیل:

وی به پناهگاهی که ۳۰۰ سال پیش، در دوره صفویه ساخته شده اشاره کرد و به بدبختی و ویرانی ایران تاسف خورد و از سه روز در (گردنه) گدوک ماندنشان سخن گفت: ملت آذربایجان تمام بدبختیهای خود را میشناسد و از این کنگره انتظار عمل دارد. من در آخر میگویم «زنده باد ایران و آذربایجان».

آقای فتاحی، نماینده مشکین شهر:

از صمیم قلب تشکیل این کنگره را تبریک می‌گویم. فرزند غیرتمند آذربایجان، مرحوم دکتر ارانی میگوید: «یک ملت برای ادامه حیات، مجبور به اصلاح محیط اجتماعی زندگی خود است. برای ما آموزش و بهداشت لازم است. برای ما وجود فرقه‌ای لازم است که احتیاجات ملتمان را تامین کند. به نظر من اکنون وجود مجلس ملی برای ملت آذربایجان بیشتر از انجمنهای ایالتی و ولایتی لازمتر و ضرورتر است. من میگویم زنده باد جوانان شجاع آذربایجانی که میخواهد ملت خود را از فلاکت نجات بدهد». (ابراز احساسات)

آقای اسحق، نماینده ماکو:

دوستان، سلام (ابراز احساسات) خوشوقتم که به اتفاق آزادیخواهان آذربایجان در یک مجلس حضور دارم، به قول سعدی: سرکه نه در راه عزیزان بود بارگرانی است کشیدن به دوش!

برای ملت باید سر را فدیة داد. رفقا، درباره حکومت ملی صحبت کردند.

او ضمن صحبت در مورد حکومت ملی با شاهد آوردن ازکلمات حضرت علی (ع) نتیجه گرفت که انسان تنها میتواند در نتیجه توانمندیهای خود رشد کند. به خاطر اتمام وقت، به سخنان آقای اسحاق پایان داده شد.

آقای خرمدل، نماینده کبریت سازی:

انجمن ایالتی و ولایتی به معنی بریدن از مرکز نیست. ما به مجلس شورا نماینده خواهیم فرستاد و با مجلس قطع رابطه نخواهیم کرد. ولی به نظر من انجمن ایالتی و ولایتی نمیتواند دردهای ما را درمان کند. در پایان عرض میکنم زنده باد مجلس ملی آذربایجان. ما مجبور به تأسیس مجلس ملی خود مان هستیم.

آقای خورشیدی:

حرفهای من خطاب به دشمنانمان است. ما از ایران جدا نخواهیم شد. ایران مال ماست و ما هم ایرانی هستیم. تکیه دولت باید به ملت باشد. دولت ما اصلاً متکی به ملت نیست. زنده باد استقلال ایران- زنده باد فرقه دموکرات آذربایجان.

آقای پیشه‌وری:

این اجلاس، به منزله کنگره ملت ماست. در این کنگره باید فقط تصمیم گرفت. کسانی در این کنگره شرکت کرده‌اند که آماج ستم سرنیزه‌های ژاندارمها بوده‌اند. بدون توجه به افتراهای رادیو ترکیه، این کنگره خواهان رهایی آذربایجان است. حال بینیم آیا شعارهای ما حقیقی است یا نه! آیا برای ما خودمختاری ضرورت دارد، یا نه! این کنگره جایی است که کارگران و دهقانان سخنان دلخواه خود را در آن به زبان می‌آورند. اما در مجلس مرکز، نمایندگان مانند گوسفند رام و تابع هستند. ما دارای چهارچوب سازمانی هستیم و این جلسه وجود آن را ثابت میکند. ضرورت زمان رهبری را می‌آفریند.

آقای زمانی:

من از طرف مردم منطقه هشتروند شادباش عرض می‌کنم. به نظر من نیز به جای تشکیل انجمنهای ایالتی-ولایتی، تشکیل مجلس ملی لازمتر است. جاوید ایران، زنده باد آذربایجان!

آقای پنبه‌یی- حسن علی خیرالهی شعری از شمس تبریزی قرائت و پیشنهاد کرد که مجسمه استبداد از باغ گستان برداشته شود؛ ما خواهان خودمختاری هستیم. ما قادر به گرفتن خودمختاری هستیم و هیچ کسی نمیتواند ما را ازگرفتن آن باز دارد.

آقای سعیدی، نماینده ارومیه:

درو فرستاد و شادباش گفت. در زمینه خودمختاری سخن گفت: ما میتوانیم خانه خود را بهتر از دیگران اداره کنیم. کسانی که به ما افترا میزنند، تنها و تنها منظور آن ها خفه کردن صدای آذربایجان است. من از طایفه افشار هستم. درباره زبان آذربایجانی سخن فراوان گفته شد، نظر من این است که آذربایجان باید پس از اصلاح امور خود، به فکر به گردانی ایران باشد تا این مملکت به سرزمین آبرومندی تبدیل شود، آذربایجان، سر ایران است. زنده باد آذربایجان و برقرار باد خودمختاری ما.

آقای بیریا:

نمایندگان محترم و کارگران عزیز من بنا به سفارش مردم ارسباران، تشکیل این کنگره را تبریک عرض می‌کنم. از جانب زحمتکشان ارسباران که زیر ستم فرمانداری مانند صفوی و عناصر کثیفی، مانند قاسم خانها به ستوه آمده اند، تشکیل این کنگره عظیم را شادباش عرض می‌کنم.

آنگاه، بنا به درخواست آقای پنبه‌پی، شعر قدیمی خود را تحت عنوان «شاه درفت ها!» خواند و اضافه کرد: این که نباید پشت سر مرده حرف زد، درست، اما آن مرحوم (شاه) چنان بلایی سر ما آورد که تا قیامت هم فراموش نمیکنیم.

هلال ناصری:

مجلس موسسان اساس مشروطه ماست. این مساله مهمی است. این کنگره هم مشابه مجلس موسسان است و شما نمایندگان ملت پنج میلیونی هستید. پیشنهاد من این است که این اجلاس به جای انتخاب انجمنهای ایالتی-ولایتی، مجلس موسسان را تشکیل دهد. به ما آزادی نداده‌اند، چرا که در آزادی خودمختاری هم هست. ما در این اجلاس باید درباره آزادی خود تصمیم قطعی بگیریم.

- هلال ناصری به مثل میان روستایی و بزاز اشاره کرده حاضران خندیدند.

زنده باد کنگره ما، زنده باد نیروی مسلح ما! از طرف کردها، نماینده آمده است، اما افسوس که در راه دچار برف و سرما شده اند و به سبب بیماری، در بیمارستان بستری هستند. این نماینده، آقای داوودی هستند که پیام تبریک ایشان توسط آقای نویری به کنگره ارائه خواهد شد.

آقای نویری:

آقای حاج مصطفی داوودی، به عنوان نماینده کردها به اینجا آمده و قول داده اند- قول شرافتمندانه و دوستانه- که آماده هستند که هر دقیقه‌ای که لازم باشد و در هر پیش‌آمدی که برای آذربایجان رخ دهد برای کمک آماده‌اند. (ابراز احساسات ممتد)

چشم آذر:

انجمنهای ایالتی-ولایتی، ۲۹ سال پیش تشکیل شده است. بنابراین، ما باید این مجلس را مجلس ملی نامگذاری کنیم. برای نیل به خودمختاری آذربایجان، این سرزمین باید نیروهای مسلح ملی داشته باشد (ابراز احساسات)، برقرار باد خودمختاری آذربایجان! (ابراز احساسات)

در همین حال آقای داوودی (نماینده کردستان) وارد مجلس شدند. (ابراز احساسات ممتد) آقای داوودی برای بیان پیام خویش به زبان ملی خودشان، اجازه خواستند. آقای پیشه‌وری گفتند: «ما از این بابت بسیار خوشحال هستیم، بفرمائید». آقای داوودی به ایراد سخن پرداختند. (ابراز احساسات ممتد).

آقای نویری:

من سخنان آقای داوودی را ترجمه می‌کنم. ایشان، نخست خود و همراهشان آقای میرزا مناف کریم خانی را معرفی کردند و گفتند: ما ایرانی هستیم و هرگز به تجزیه ایران رضایت نمیدهیم. ما زیر ستم کارگزاران دولت مرکزی به تشکیل فرقه دمکرات کردستان و فرقه دمکرات آذربایجان وادار شده‌ایم و برای آزادی ملتمان، همواره این دو فرقه تشریک مساعی و همفکری خواهند داشت.

آقای پیشه‌وری:

حکومت تهران کار را به جایی رسانده که کنگره ما مجبور شده قدم‌های جدیتری بردارد. حکومت تهران به جای اینکه به ملت آذربایجان رو بیاورد، دست به دامن شخصیت‌های خارجی میشود. مسئله آذربایجان، در تبریز قابل حل است. در مورد ما هم، یک ملت خود باید توان احقاق حق خود را داشته باشد. سرنوشت آذربایجان نمیتواند در لندن و یا ترکیه تعیین شود. این مسئله، تنها و تنها در این جا و در این کنگره قابل حل است. ما نسبت به دول متفق احساس دوستی داریم، اما، همچنان که آنان در مورد امور خاص خود به کسی اجازه دخالت نمیدهند، ما

هم به هیچ کس اجازه مداخله نمیدهیم. مسئله ما تنها مسئله زبان نیست، اقتصاد ما، آموزش ما، صنعت ما ... همه دچار مسئله است. ما خواهان خودمختاری آذربایجان که شامل زنجان و حومه همدان هم میباشد، هستیم. ما در مورد ترکهای قشقایی و آذربایجانی که در مشهد زندگی و به زبان آذربایجانی سخن می‌گویند، حرفی نداریم. من به خانه خود علاقه‌مندم و به تبع آن اداره این خانه، گرم کردن آن، تعمیر و نگهداری آن و مرمت در و دیوارش به عهده خود من است. ما اجازه نمیدهیم که خارجیان روی قبرهای پدران ما پایکوبی کنند و حاکم مطلق العنان ما باشند. ما در صدد ایجاد مجلسی هستیم که کارگزاران آن آذربایجانی باشند، حالا شما هر اسمی که میخواهید روی آن بگذارید. پس، برای باز پس گرفتن آزادی ما باید تانکهای مرتجعان و واپسگرایان از روی جنازه‌های ما بگذرند، تنها در آن هنگام است که می‌توانند دستاوردهای ما را پایمال کنند.

اینک، پیشنهاد شده که کمیسیونی متشکل از پنج نفر تعیین شود، مصوبه‌هایی تدوین کنند و بعد از ظهر مصوبه‌ها را تقدیم مجلس کنند. به نظر من سه فقره مصوبه میتواند در دستور کار قرارگیرد:

- ۱- طرح قانونی نظارت بر انتخاب مجلس،
- ۲- اعلام تصمیمات این مجلس به ملل دنیا، خلقهای ایران و به ویژه به مردم آذربایجان،
- ۳- تنظیم نظامنامه مجلس و یا انجمن آینده، چگونگی انتخاب آن، تعداد نمایندگان و محل برگزاری انتخابات.

در این کنگره متجاوز از ۱/۵ میلیون نفر مستقیماً شرکت جسته‌اند. تصمیم این کنگره بازتاب اراده ملت آذربایجان است. مصوبه‌های این کنگره، مصوبه‌های ملت آذربایجان است، بنابراین، باید نهایت دقت در تنظیم مصوبه‌ها مبذول شود. باید کمیته‌ای ملی وجود داشته‌باشد تا از یکپایگی بندهای مصوب دفاع و اشکالات موجود در آنها را برطرف کند. نمایندگانی که به مجلس فرستاده میشوند، همه موارد امر را به اطلاع مردمان برسانند. تصمیمات این اجلاس باید اجرا شوند، بدون چون و چرا!

برای تنظیم طرحها برای تصویب، کمیسیونی متشکل از پنج نفر برگزیده شدند. سپس آقای پیشه‌وری جویبه تبریهای کردها را به مناسبت تشکیل کنگره ارائه داده، گفتند: کردها اعضای خانواده آذربایجان هستند. بی جهت تلاش نکنند که میان ما و آنها نفاق و دودستگی بیندازند- مراتب سپاسهای ما را به آقای قاضی محمد و ملت کرد ابلاغ فرمایید.

بدین ترتیب، کنگره خلق به مجلس موسسان تبدیل شد و سنگ بنای نهضت عظیم آینده ما را بنیان گذاشت.

مجلس ملی ما

بلافاصله پس از اتمام کنگره خلق، آمادگی برای انتخاب مجلس ملی آذربایجان اعلام شد. هیئت نظارتی که از طرف هیئت ملی انتخاب شده بود، زیر نظر و ریاست آقای قیامی اداره کارها را بر اساس برنامه معین به دست گرفت. کار انتخابات میبایست در سراسر آذربایجان شروع و تا پنج روز پایان مییافت. فرقه، به آسانی مبارزه انتخاباتی را سازمان داد، در همه جا نمایندگانی از طرف کمیته‌ها و اشخاص معرفی شدند. تبلیغات و قدرت تشکیلاتی فرقه به اندازه‌ای بود که اگر اراده میکرد، میتوانست افراد دلخواه خود را- هرکسی که مطابق میل فرقه بود- انتخاب کند. با این حال برای رعایت آزادی کامل انتخابات، به افرادی هم که عضو فرقه نبودند، امکان معرفی به عنوان نامزد انتخاباتی فراهم شد. حتی به اعضای فرقه اجازه داده شد به اشخاص بیطرفی که مورد اعتمادشان است رای دهند.

انتخابات مجلس ما یک اقدام سیاسی عظیم و بسیار مهم بود. ما، اصولی را که سالهای سال بر قرار بود، به یکباره به کنار گذاشته، یک انتخابات دموکراتیک بر اساس نظامنامه به اجرا گذاشتیم.

امکان شرکت در این انتخابات برای همه، اعم از زن و مرد، بر اساس نظامنامه‌ای که تنظیم شده بود، تامین شد. همه امکانات را مانند پول، تهدید و تطمیع که تا آنروز ابزارهای متداول محروم کردن مردم از آزادی و حقوق خود بودند، از بین بردیم. امکان دخالت به مامورین دولتی در امر انتخابات داده نشد و برای این که این انتخابات آزاد، مستقیم، برابر حقوق و متناسب باشد، در تمام حوزه‌های انتخاباتی، تغییراتی داده شد. در همه شهرها، بخشها و در همه قضیات و حتی همه محله‌ها به اهالی این امکان را دادیم که مستقیماً و آزادانه رای‌شان را بدهند. خلق ما از فراخوانی فرقه‌شان با شوق و شغف بزرگ و وصف نشدنی استقبال کرد. کسانی

که در همه عمرشان تا آن روز در انتخابات شرکت نکرده بودند، دسته- دسته آمدند و با رای دادن خود در همفکری ملتمان شریک شدند و ثابت کردند که صاحب شعور ملی شده‌اند و مخصوصاً اشتیاق زنان به مشارکت به مراتب بیشتر بود.

جوان، پیر، فقیر، توانگر، همه و همه سعادت خود را در برگزاری صحیح انتخاباتی میدیدند و از اینرو برای رای دادن از همدیگر سبقت میگرفتند. مردم، چون سیل به طرف حوزه های رای گیری سرازیر می شدند، به عنوان یاد آوری آن روزهای پرافتخار، نمونه‌ای از نوشته‌های آقای پیشه‌وری را که در ۱۲ آذر، در روزنامه آذربایجان به چاپ رسیده، در اینجا درج میکنیم:

«در نتیجه عزم و اراده خلل ناپذیر فرقه‌مان، مردم به پا خاست. اقشاری از مردم ما که به هر رویدادی با دیده تردید مینگرند، یعنی بازاریان و کارکنان اداری، نیز در انتخابات مجلس ملی، در آخرین فرصتهای مدت تعیین شده بر اساس نظامنامه رسمی هیئت ملی به سوی صندوق های رای گیری سرازیر شدند و رای دادند. اگر میتوانستیم تنها دو روز این مدت را تمدیدکنیم، تنها در شهر تبریز بیش از یکصد هزار رای به دست می‌آمد. این که تنها در روز شنبه مردم در پای صندوقهای رای گیری، خاطره پیروزی و فتح و ظفر اسلام را تداعی میکرد، معنای حقیقی آیه شریفه ادا جاء نصر... در اذهان جان میگرفت. جریان سیل آسای مردم ما از باور آنان به پیروزی، سرچشمه میگرفت که گروه- گروه برای رای دادن سرازیر میشدند و برگ تعرفه انتخابات نخستین مجلس ملی را با شعف و افتخار دریافت و به عنوان یادگار به خانه میبردند.

میتوان به دو دلیل بزرگ به این موفقیت تاکید کرد. اول، باور عمیقی که در اعضای فرقه جان گرفته بود و شجاعت منبعث از آن، دوم، اعتماد و باوری که در میان مردم پدیده آمده است. این پدیده آزمون سرنوشت سازی برای فرقه جوان بود که سازمان یافته و هنوز هم که هنوز است، در حال تحکیم پایه‌های خود است. فرقه از این امتحان سربلند بیرون آمد.

دوستان آزادیخواه ما در تهران که از دور تماشاگر فعالیتهای ما بودند و از هیاهوی روزنامه‌های مخالف خوان متأثر میشدند، بعضی وقتها به صرافت پشتیبانی از ما افتاده برخی آزادیخواهان را ترغیب به پشتیبانی کرده و راهی تبریز می‌کرده‌اند و اینطور فکر می‌کرده‌اند که برای راهبرد کارها، فرقه ما به آنان نیاز دارد. آزادیخواهانی که به این منظور وارد شهر ما شده بودند، پس از مشاهده فعالیتهای ما از نزدیک، به ناتوانی خود در برابر این کار عظیم اعتراف کردند و خود را نیازمند آموختن از فرقه دیدند که در خلال این سه ماه، در میان آتش و درکشاکش مبارزه این همه نیروی فعال تربیت کرده است.

نیروی فعالی که فرقه پرورش داده، استعداد و توان خود را در امر انتخابات به نمایش گذاشت. دیروز در محلی که صندوق مرکزی انتخابات در آن جا واقع شده بود، معلوم شد که این دمکرات سالمند، 48 ساعت است که سر ماموریت خود باقی مانده است. هنگام تحویل کار خود، نیم خنده‌ای کرد و گفت: برای انجام وظیفه‌ای که به عهده من بوده، احساس خوشبختی میکنم.

اینک، اینجا همه مشغول فعالیت هستند. همه، توان، یاری و لیاقت خود را تماماً عرضه میدارند. اعضای فرقه به طریق اولی، تردید و تزلزل به خود راه نمیدهند، رهبری را با جان و دل محافظت میکنند و از روی ایمان و اعتقاد، تصمیمهای کمیته مرکزی را به اجرا در می‌آورند. با غیرت مشابه صدر اسلام، به تکالیف خود عمل میکنند. به یک تبسم ساده از فرقه به عنوان پاداش، افتخار میکنند. امروزه جوانانی در این سرزمین یافت میشوند که به دریافت امریه برای فدای جان افتخار میکنند. فداییان واقعی در همه صحنه‌های زندگی اجتماعی امروزه ما، شایستگی و فداکاری خود را به اثبات میرسانند.

فرقه رشد میکند. گسترش مییابد، استوارتر میشود، برای رهبری همه مردم، توان میگیرد. سهرایی که این قدرت، لیاقت و استعداد را مشاهده میکنند، در برابر آن فرود می آیند و تسلیم عزم و اراده ملت می شوند، دست فداییانی را که آماده جانفشانی در راه آرمان خلق هستند، میفشارند و شب و روز برای فرقه فعالیت میکنند و برای نیل به آرمان والای فرقه و اهداف آن میکوشند. چون کار ما برای خلق است. حسن توجه خلق نیز نسبت به ما، پیروزی و افتخار بزرگی است.

قلب مردم از قلعه های آهنین و سنگرهای تسخیر ناپذیر نیز محکمتر است. هیچ نیرویی نمیتواند در برابر قدرتی که این قلبها را تسخیر میکند، پایداری نماید. فرقه ما قلبهای مردم را تسخیر کرده است. انتخابات مجلس ملی ما، این ادعا را ثابت کرد. اینک دیگر زمان برآوردن آرزوهای آن قلبهای مانوس به فرقه فرا رسیده است.

بدین دلیل، راه فرقه ما دشوار و مسئولیت آن سنگین است. برانگیختن عشق آسان، ولی حفظ آن دشوار است. ما اکنون این علاقه‌ها را به دست آورده‌ایم، برای حفظ این علایق باید زحمات بیشتری را تحمل کنیم.

انتخابات در تبریز با موفقیت چشمگیری پایان پذیرفت. در دوره پیشین، در خلال ده روز مدت انتخابات، به زور تنها یارده هزار ری گردآوری شده بود! در حالی که از ششم تا یازدهم، آذرماه، یعنی فقط در عرض ۵ روز، شمار رای دهندگان در انتخابات می ما به مرز ۲۳۹۵۰ نفر رسید. میتوان گفت در دوره پیشین روزانه بسیار کمتر از یک هزار رای داده شده بود. در حالیکه در جریان انتخابات ملی، در برخی روزها، همان مردم با بیش از ۸ هزار رای، رغبت ملی خود را به نمایش گذاشت و خیزش ژرف اندیشانه‌ای را نشان داد. نشان داد کاربرا که نمیشد با پول، تطمیع و تهدید انجام داد، میتوان با جلب اعتماد مردم به آسانی به سرانجام رساند.»

برای اثبات این که فرقه ما ریشه در میان مردم و در اعماق جامعه دارد و از احترام، عزت و علاقه مردم برخوردار است، کافی است در تعداد آرای که نمایندگان تبریز به دست آورده اند، دقیق شویم. از مجموعه ۲۳۹۵۱ رای مأخوذه، ۲۳۵۵۰ رای به نام آقای پیشه‌وری به صندوق‌ها ریخته شده است. این حاکی از اعتمادی بی نظیر است. کمترین تعداد آراء به نام آقای محمد عظیمی است که عبارتست از ۲۱۲۷۳ رای.

پیشتر، طرح‌های تصویبی پس از مذاکرات را درج کردیم. با این مصوبات، بنیانهای حکومت ملی ما گذاشته شد. فرقه ما برای اداره سرزمینمان، سازمانی قانونی به وجود آورد و این عبارتست از هیئت ملی که به ریاست آقای شبستری شکل گرفت. فرقه به اجرا گذاشتن مصوبات کنگره را توسط این هیئت ملی شروع کرد. هیئت ملی، در حقیقت مسئول انجام وظیفه حکومت ملی بود. هیئت ملی متشکل از ۳۹ نفر، منتخب کنگره در روز سی‌ام آبان، از همان روز شروع به کارکرد. مهمترین وظیفه‌ی که هیئت ملی پیش رو داشت، برگزاری انتخابات مجلس ملی آذربایجان بود. هیئت ملی در همان آغاز کار، ضمن انتخاب هیئت نظار، فرمان انتخابات مجلس ملی را صادر کرد. در نتیجه تلاشهای مجدانه هیئت ملی و رهنمودهای مدیرانه فرقه، دستور کنگره ملی در اسرع وقت به اجرا درآمد، در حالیکه به هیئت موسسان برای برگزاری انتخابات مجلس ملی یک ماه مهلت داده شده بود، این امر در بیست و یکمین روز مهلت انجام پذیرفت. در روز بسیار باشکوه و تاریخی ۲۱ آذر، آغازین روز بنیان ملی، مجلس ما با افتخار تاریخی و سربلندی فراموش نشدنی و در میان سرور و ابراز احساسات مردمان تشکیل شد.

یکی از اسناد تاریخی تنظیمی این مجلس موسسان، قانون انتخابات مجلس ملی آذربایجان است. مردم ما در سراسر ایران، در سایه همین قانون انتخابات به پرچمداری نهضت دمکراتیک موفق شد. همه خلقهای ایران به وسیله همین قانون ما را به عنوان دمکراتهای حقیقی میشناسند و به ما و کاری که شروع کرده‌ایم، به دیده اعتماد می‌نگرند.

قانون انتخابات بر اساس مرامنامه فرقه ما نوشته شده است. در سایه ماده هشتم این قانون که در سه سطر گنجانده شده، فرقه توانست گامهای بیباکانه و در شان قهرمانان را بردارد و این ماده چنین است:

«۸- همه زنان و مردان آذربایجان که به سن ۲۰ سالگی رسیده باشند، حق انتخاب کردن دارند.»

این ماده، با دادن حق انتخاب به زنان، مردان و جوانان، توده‌های وسیعی از مردم را که تا امروز افلیج وار زندگی میکرد، به صحنه زندگی سیاسی کشاند و امکان استحکام شالوده دمکراسی را فراهم آورد.

افزون بر انجام انتخابات مجلس ملی، یکی دیگر از کارهای تاریخی هیئت ملی، ارسال (دکلاراسیون) معروف به کارگزاران عالی‌رتبه ایران و نمایندگان خارجی است و انجام مذاکرات با حسام السلطان، والی آذربایجان، دومین کار برجسته این هیئت است. مذاکرات اخیر توسط آقایان پیشه‌وری، شبستری و بی‌ریا انجام گرفت.

در این گفت و گوها، آقای بیات یادآوری کرد که به من تنها اجازه گفت و گو داده شده است و فقط می‌توانم بر اساس مقررات موجود با آذربایجانیها مذاکره کنم. از این گفت و گو معلوم شد که وی میخواهد تنها با اندرزگویی و نصیحتگری کارها را به سرانجام رساند. این نیز مضحکه‌ای بیش نبود و نمیتوانست نتیجه‌ای دربر داشته باشد. بدین ترتیب، این والی که به ظاهر دارای اختیارات فوق‌العاده بود، چند روز پیش از تشکیل مجلس ملی ما، آذربایجان را ترک و با هواپیما عازم تهران شد. از محتوای گزارشی که از مذاکرات ارائه داده، اطلاع دقیقی در دست نیست، اما چنانکه شایع است، نتوانسته جریان نهضت ما را انکار کند.

دوره فعالیت هیئت ملی، دوران شدیدترین فعالیت‌های فرقه‌مان بوده است. در حالیکه هیئت مشغول انجام وظایف روزمره‌اش بود، فرقه، هم انتخابات را برگزار میکرد، هم در تدارک سازمان‌دادن تشکل فداییان بود.

بيست و یکم آذر

روز ۲۱ آذر، در تاریخ نهضت و فرقه ما، جایگاه رفیعی دارد. در چنین روزی با بهم پیوستن دو استوانه پایداری که فرقه بنا کرده بود، برپایی نهضت قطعیت یافت. یکی از این استوانه‌ها تشکیلات فداییان بود. فرقه ما تشکل فداییان را که در روستاها به طور خودجوش نمو میکرد، از یک ماه پیش از ۲۱ آذر به عهده گرفته بود. آقای پیشه‌وری، رئیس فرقه، شخصا این تشکیلات را رهبری میکردند. در برخی مناطق، این مسئولیت، یعنی سازماندهی این تشکیلات را فعالترین، شجاعترین و کوشاترین اعضای فرقه به عهده گرفته بودند. با جود این که این اقدام بسیار مخفیانه صورت میگرفت، با اینحال با سرعت پیشرفت میکرد. فداکاریهای کمیته مرکزی در انجام این مهم بسیار برجسته بود. کمیته مرکزی به پیدایش رهبری طبیعی بسنده نکرد و شاخصترین اعضای فرقه را به سرکردگی فداییان گماشت. به عنوان مثال، برای سازماندهی فداییان تبریز، ژنرال کاویان؛ فداییان مراغه، ژنرال کبیری؛ فداییان سراب و میانه، ژنرال غلام دانشیان؛ فداییان میاندوآب، سرهنگ قلی صبحی؛ فداییان اسکو، سرگرد کلانتری و فداییان ارومیه، آقای آزاد وطن ماموریت یافته بودند که همه این افراد، از اعضای کمیته مرکزی فرقه بودند. بدین ترتیب میتوان گفت که کمیته مرکزی فرقه، شالوده بنیادین شاخه نظامی را بنیان گذاشته بودند.

علاوه بر این اینها، شهامت و جانفشانیهای سرهنگ آرام، سرهنگ غلامرضا جاویدان، فرضی دهقان، میرکازم، میر خلیل، پیشنمازی، میر ابوالفضل هاشمی، تیزفهم، خلیل آذر و دیگران، از عناصر بسیار فعال فرقه (فرقه آکیتولریندن)، در سازماندهی و راهبرد فداییان بسیار شایان توجه است. این حقیقت که فرقه ما تشکیلات فداییان را سازمان داده، مستقیما آنرا رهبری کرده و در این تلاش شایستگی حیرت‌انگیزی نشان داده، غیر قابل انکار است. درست است که سند مکتوبی در دست نیست، وی میتوان با استناد به نخستین دیدار ادعا کرد که بیش از ۹۰٪ فداییانی که اسلحه به دست گرفته و آماده مبارزه مرگ و زندگی شده بودند، اعضای فرقه بودند.

این تشکیلات سترگ که در ۲۱ آذر ماه پیشینه‌ای بیشتر از یک ماه نداشت، در دل ارتجاع تهران که سالیان متمادی خلقهای ایران را منکوب کرده و به اسارت کشیده بود، هراس می‌انداخت. فعالیت فداییان پس از انجام انتخابات مجلس علنی شده بود. به فداییان سراب، مراغه و میانه فرمان داده شده بود که پس از پایان انتخابات، فعالیت علنی را شروع کنند. بنابراین، فداییان از شهرهای اطراف در روز افتتاح مجلس، برای تأمین امنیت آن به طرف تبریز حرکت کردند و انتظامات شهر را در اختیار گرفتند و همچنین فداییان تبریز نیز برای انجام وظایف محوله به آنان، به حالت آماده باش درآمدند.

دومین استوانه نهضت نیز- باز هم با راهبرد گروه دوم کمیته مرکزی- شروع به فعالیت کرد و به طور موفقیت آمیزی، سنگرها را یکی پس از دیگری تصرف میکردند و به پیش میتاختند. در این استوانه هم به سرکردگی رئیس فرقه و معاونان وی، آقایان بادکان و شبستری اعضای کمیته مرکزی در صف پیشناز مبارزه میکردند و کارهای محیرالعقولی انجام میدادند.

در صفوف این مبارزان سیاسی- اجتماعی، به کسانی که چشمگیرتر از همه فعالیت میکردند، میتوان به اعضای اصلی کمیته مرکزی آقایان: بی‌ریا، قیامی، ولایی، خلیل آذر، بادکان، جودت، شاهین، چشم آذر، رفیعی، زفری، هاشم نیا و... اشاره کرد که مردم را با تلاش شبانه روزی سازمان میدادند و افکار عمومی را برای نیل به اهداف و آرمانهای فرقه در اسرع وقت آماده میکردند.

بالاخره، دو رکن فرقه در ۲۱ شهریور، روزگشاپیش مجلس ملی، در تبریز به هم پیوستند. بدین ترتیب، با به هم پیوستن دو استوانه نهضت، حکومت ملی ما که آوازه آن دنیا را فراگرفته بود، پا به عرصه وجود گذاشت و یک رخ داد بزرگ تاریخی به وقوع پیوست.

تشکیل مجلس ملی در شرایط حاکم بر ۲۱ آذر، یک کار سترگ بود. در آن روز، هنوز نیروهای مسلح به فرماندهی سرتیب درخشانی، خلع سلاح نشده بود و ژاندارمری و شهربانی و امکانات آنها به دست ما نیفتاده بود. هر لحظه در داخل شهر منتظر برخورد بودیم و در نتیجه بی‌تجربگی برخی فداییان و سرکردگان آنها، هر ازگاهی صدای شلیک گلوله مسلسل به گوش میرسید. با این همه، رهبران فرقه به کار خود که بر اساس اهداف از پیش تعیین شده تنظیم شده بود، شبانه و با جدیت ادامه دادند و در ایجاد مجلس و تدوین نظامنامه آن، تردید به خود راه ندادند.

مجلس ملی ما را آقای رفیعی، سالمندترین نماینده به عنوان رئیس سنی مجلس در روز ۲۱ آذر ماه افتتاح کرد. سپس، جلسه مجلس مطابق برنامه تشکیل یافت و برای تصویب نظامنامه، آقای پیشه‌وری به ریاست مجلس انتخاب شدند.

مجلس در آن روز، بسیار باشکوه بود. برخی نمایندگان دول خارجی و نمایندگان شاخص طبقات مختلف مردم در مجلس به عنوان تماشاچی حضور داشتند. آقای پیشه‌وری مجلس را اداره میکرد، متن نظامنامه را به صورت مبسوطی تشریح کرد و سپس به تصویب مجلس رساند.

بدون توجه به صدای ممتد شلیک گلوله ها که به گوش میرسید، مجلس در نهایت آرامش و متانت به کار خود ادامه داد و هیئت رئیسه را انتخاب کرد. پس از انتخاب هیئت رئیسه، آقای پیشه‌وری از جایگاه پایین آمد و آقای شبستری را به جایگاه برای انجام وظیفه ریاست مجلس که بدان انتخاب شده بود، دعوت کرد. چون کار بسیار جدی شده و به جای حساسی رسیده بود، برای ادامه کار برداشتن یک گام مهم، ضروری به نظر میرسید.

با انتخاب آقای شبستری به سمت ریاست مجلس و پیشنهاد تشکیل حکومت می، کار مجلس شروع شد. پس از مذاکرات کوتاه، مانند روال همه کشورهای دموکراتیک، رهبر فرقه با کسب اکثریت آراء، مأمور تشکیل دولت شد و ماموریت وی توسط مجلس به تصویب رسید. بدین ترتیب، آقای پیشه‌وری به سمت نخست وزیر انتخاب شدند. برای اینکه در جریان کارها وقفه‌ی پیش نیاید، بعد از ظهر همان روز، آقای پیشه‌وری بر اساس تصمیم های متخذه توسط کمیته مرکزی فرقه، در مجلس حاضر شد و اعضای دولت ملی را به ترتیب زیر و هم چنین برنامه کار دولت را تقدیم مجلس کرد.

حکومت ملی آذربایجان

در جلسه قبل از ظهر دیروز، مجلس ملی آقای پیشه‌وری، رئیس فرقه دموکراتیک آذربایجان را برای ریاست دولت انتخاب و مأمور تشکیل کابینه کرد. آقای پیشه‌وری نیز در جلسه بعد از ظهر دیروز اعضای دولت خود را به ترتیب زیر به مجلس معرفی کرد.

۱- نخست وزیر،	آقای سید جعفر پیشه‌وری؛
۲- وزیر کشور	آقای دکتر سلام الله جاوید؛
۳- وزیر دفاع (وزیر نیروهای مسلح)،	آقای جعفر کاولان؛
۴- وزیر کشا و زری،	آقای دکتر مهتاش؛
۵- وزیر فرهنگ،	آقای محمد پیریا؛
۶- وزیر بهداشت،	آقای دکتر اورنگی؛
۷- وزیر دارایی،	آقای غلامرضا الهامی؛
۸- وزیر دادگستری،	آقای یوسف عظیمی؛
۹- وزیر راه، پست، تلگراف و تلفن،	آقای کبیری؛
۱۰- وزیر تجارت و اقتصاد،	آقای رضا رسولی؛

۱۱ - نخست وزیر تا انتخاب وزیرکار و خدمات، کارهای مربوط به این وزارتخانه را انجام خواهند داد.

کابینه پس از معرفی، با اتفاق آراء از طرف مجلس ملی تصویب شد و سپس مجلس راسا آقای زین‌العابدین قیامی را به سمت رئیس دیوان عالی و فریدون ابراهیمی را به سمت دادستان کل انتخاب کرد.

آقای پیشه‌وری برنامه خود را تشریح و برنامه کار حکومت ملی را به شرح زیر قرائت کرد:

برنامه حکومت ملی آذربایجان

هیئت دولت ملی آذربایجان، موارد مندرج در ذیل را برای تامین خودمختاری ملی که سالیان سال از آرزوهای خلق آذربایجان بوده، رفع نیازهای مردم و سوق این سرزمین به سمت توسعه و ترقی، به عنوان برنامه کوتاه مدت ارائه مینماید.

۱- به رسمیت شناساندن خودمختاری ملی در سطح جهان، تأمین دوام و قوام آن و مذاکره برای رسمیت یافتن آن با مقامات ذی صلاح، بدون اخلال در تمامیت ارضی و استقلال ایران، برپاداشتن دولت ملی در آذربایجان بر اساس بنیان های دموکراتیک و رفع دشواریهای ممکنه در این راستا؛

۲- شروع انتخاب انجمن ولایات در کمترین زمان ممکن، به منظور تحکیم پایه‌های خودمختاری ملی و نزدیک‌تر کردن خودمختاری به اهداف مردم و واگذاری اداره سازمانها و ادارات محلی به انجمنهای ولایات؛

۳- انتخاب انجمنهای شهری در اسرع وقت، بر اساس بنیانهای دموکراتیک برای عمران و آبادانی شهرها و سامان دادن و به جریان انداختن کارهای آنها به صورت درست و صحیحش؛

۴- انتخاب فرمانداران و بخشداران از آزادیخواهان قابل اعتماد محلی و بدین وسیله پایان دادن بر کردارهای ظالمانه پیشین و جلوگیری از اعمالی که به تحقیر مردم و حذف آنان از صحنه‌های تصمیم‌گیری میانجامید و تأمین امنیت و آسایش در سراسر آذربایجان؛

۵- خلع ید اشخاص خائن و نالایق و سرکوبگر مردم از ژاندارمری و شهربانی و جایگزین کردن اشخاص آزادیخواه و میهن پرست در این دو نهاد و تنظیم اداره این دو نهاد متناسب با خواسته‌های مردم؛

۶- تجدید نظر در قوانین مالیاتی و انجام بازرسی سریع العمل در درآمدها و هزینه‌های اداره دارایی. تنظیم لایحه بودجه ملی در اسرع وقت و تقدیم آن به مجلس ملی و به طور کلی، تدوین لایحه قانونی سیاست مالی درآمدها و هزینه‌ها و هماهنگ کردن آن بر اساس اولویت توسعه و ترقی مملکت؛

۷- تمرکز اداره و فرماندهی فداییانی که در روستاها و شهرها برای پاسداری از خودمختاری ملی، مجلس ملی و دولت ملی پا به عرصه فعالیت گذاشته‌اند و ایجاد ارتش خلق و اندیشیدن تدابیر لازم برای امروزی کردن سازمان و جنگ افزارهای ارتش ملی؛

۸- دو مسئله مبرم در زمینه فرهنگ و آموزش رویاروی دولت قرار دارد. نخست رسمیت دادن به آموزش زبان ملی‌مان در تمام مدارس، دوم، مبارزه با بیسوادی و به اجرا در آوردن آموزش اجباری و رایگان برای همه. افزون بر همه این موارد، دولت ملی ما موظف است برای اهمیت دادن به آموزش عالی و فراهم آوردن امکان تأسیس دانشگاه ملی (میلی داراولفونون)، تلاش و سریعاً اقدام کند

۹- حکومت ملی، در زمینه اقتصاد و بازرگانی، نخست کمبودهای ملی ما را برطرف و کارخانه‌های موجود را راه‌اندازی خواهد کرد و سپس، با تأسیس کارخانه‌های جدید، کمبودها و نیازهای مملکت را تأمین خواهد نمود و در زمینه بازرگانی، دولت برای تبدیل آذربایجان به یک مرکز تجاری خواهد کوشید و راهکارهای این امر را جست و جو خواهد کرد.

۱۰- مرمت راههای موجود و احداث راههای جدید، توسعه وسایل ارتباطی از نوع پست، تلگراف و تلفن و تجهیز آنها با ابزارهای نوین از وظایف اصلی حکومت ملی ما محسوب میشود.

۱۱- برای فیصله دادن به اختلافاتی که میان دهقانان و اربابان به وجود آمده، به شرط رضایت طرفین، لوائح قانونی بنیانی تنظیم و به تصویب خواهد رساند.

۱۲- تقسیم اراضی خالصه در اسرع وقت و واگذاری آن به دهقانان برای مهار بیکاری دم افزونی که در روستاها و شهرها خودنمایی میکند. همچنین، زمینهای کسانی را که آذربایجان را ترک و در خارج از آذربایجان بر علیه خودمختاری ملی تبلیغ میکنند، ضبط و واگذاری آن به دهقانانی که فاقد زمین هستند.

علاوه بر این، حکومت ملی به سبب اینکه اکثریت مردم آذربایجان را روستاییان تشکیل میدهند، باید در کوتاه مدت بانک کشاورزی را تقویت کند، به گونه‌ای که با اختصاص اعتبار لازم به روستایی به حل مسئله ارضی کمک کند تا بدین طریق اربابان با میل و رغبت زمینهای خود را به قیمت عادلانه به دهقانان واگذار نمایند.

۱۳- حکومت ملی برای مبارزه بی‌امان با بیکاری، استفاده از توسعه صنایع دستی، راه‌سازی، تأسیس کارخانه‌ها و کارگاهها، گسترش کشاورزی و بازرگانی را ضروری میداند.

۱۴- حکومت ملی باید نارسایی موجود در زندگی کارگران و زحمتکشانش را برطرف سازد و برای عملی کردن این منظور، لایحه قانونی کار را تدوین و تقدیم مجلس نماید. در عین حال به اجباری کردن بیمه کارگران اقدام کند.

۱۵- به امر بهداشت بیشتر توجه کند و در وحله اول، بیماریهای واگیردار و عمومی را ریشه‌کن نماید. بالاخص با ارسال دارو و پزشک به روستاها و مناطق محروم و تأمین این وسایل برای طبقات پایین، بهداشت عمومی را تأمین کند.

۱۶- قوانین موضوعه مجلس شورای ملی را به گونه‌ای سازگار با زندگی نوین مردم و متناسب با خودمختاری ملی اصلاح و لوائح مردمی‌تری تقدیم مجلس ملی شود.

۱۷- حکومت ملی آذربايجان، مالکیت خصوصی را در سراسر مملکت به رسمیت می‌شناسد و به هر اقدام خصوصی که به رشد اقتصاد مردمی مملکت و، تامین رفاه خلق منجر شود، کمک خواهد کرد.

۱۸- حکومت ملی آذربايجان به آزادی اعتقاد و اندیشه همه آحاد مردم احترام می‌گذارد.

۱۹- حکومت ملی آذربايجان، همه هموطنانی را که در آذربايجان زندگی می‌کنند، به خصوص کردها، ارمنه، آسوریها و... را در برابر قانون متساوی الحقوق میداند.

۲۰- حکومت ملی آذربايجان ضمن به رسمیت شناختن حکومت مرکزی ایران، قوانینی را که توسط حکومت مرکزی تصویب شود و مخالف خودمختاری ملی آذربايجان نباشد و بر علیه حقوق ملی مندرج در بیانیه‌ها و تصمیمات مجلس موسسان و مجلس ملی آذربايجان نباشد، به مورد اجرا خواهد گذاشت.

مذاکرات مفصلی در کم و کیف برنامه تقدیمی صورت گرفت و پس از اتمام مباحثات، رای‌گیری به عمل آمد و برنامه تقدیمی دولت ملی به اتفاق آرا به تصویب رسید.

روز بیست و یکم آذر را میتوان یکی از پرتلاشترین روزهای فعالیت فرقه‌مان به حساب آورد. اگر کارهایی را که در همین یک روز انجام گرفته، بتوانیم مشروحا درج کنیم، خود به یک کتاب قطور تاریخ تبدیل میشود. ورود فداییان به شهر تبریز، گشایش مجلس نوین، انتخاب هیئت رئیسه مجلس، تصویب آیین‌نامه مجلس تشکیل دولت ملی و تقدیم برنامه دولت (مندرج در بالا) و آخر سر، گفت و گوی ۸ ساعته با سران نیروهای مسلح برای تسلیم آنها، از جمله کارهایی هستند که به مرحله اجرا در آوردن هر کدام از آن در شرایط عادی، به روزها و حتی ماهها زمان نیازمند است. به ویژه، در شرایط تاسیس حکومت ملی، مهار کردن اوضاع و حوادثی که میتوانست همزمان با وقوع این تحول عظیم بروز نماید، به طریق اولی قابل ذکر هستند.

در آن روز همه جای شهر تبریز مملو از نیروهای مسلح فدایی شده بود. عناصر ماجراجو در داخل شهر و فریب خوردگانی هم که از اطراف روانه شهر شده بودند، منتظر یک بهانه و یک رخداد نامطلوب بودند تا بریزند و خانه و بازار را غارت کنند. و نتیجه سفارشهای اکید فرقه ما و تدابیر بسیار جدی و هوشمندانه دولت جدیدالتاسیس ما، از این رخداد وحشتناک جلوگیری به عمل آمد.

بالاخره، تبریز نفس راحتی کشید و موفق شد تشکیلاتی را که از خود مردم زاده شده بود، مهربانانه در آغوش بکشد. شایستگی فرقه در پدید آوردن دولت و اقتداری که در برقراری امنیت به نمایش گذاشته بود، با استقبال بی‌بدیل مردم- قاطبه مردم- روبرو شد و اطمینان مردم به آینده بهتر، فزونی گرفت. در روزهای پایانی آذرماه، مردم آذربايجان حقیقتاً روزهای شاد و جشنهای عیدگونه‌ای را سپری میکردند. پایان یافتن موفقیت‌آمیز نهضت، وجد و نشاط به مردم میبخشید، رخسار مردم ما که سالیان متمادی را زیر یوغ سپهری کرده بودند، در پرتو نور امیدی که از نهضت تابیدن گرفته بود، به خنده باز میشد و قلبهای آنان که در دوران ۲۵ سال استبداد فشرده و وجودشان پایمال و به یاس و بیچارگی گرفتار شده بود، نشاط دوباره مییافت و شکوفا میشد.

روز ۲۱ آذر، جایگاه روز ملی و عید ملی را گرفت. همه روستاها و شهرها در بزرگداشت این روز بزرگ و شادمانی این عید صمیمانه شرکت جستند.